

Journal iranian political sociology

Vol. 5, No.11, Bahman2023

<https://dx.doi.org/10.3051/psi.2022.346887.3573>

A study of the symmetry of the prefaces with the text in some Persian prose books from the sixth century to the end of the fourteenth century AH

Abstract

Drawing an introduction from the ancient times to the fourteenth lunar century, when preface writing flourished; They tried to use the best words and the most accurate words and expressions to show all their faith, love and passion. This study seeks to examine only a few excerpts and to show whether the subject matter of the work has any side effects. Medicine, mysticism, jurisprudence, and theology were selected and analyzed. The nature of the work is not a description, but there are still signs of bias or lack of bias in it. Drawing an introduction from the ancient times to the fourteenth lunar century, when preface writing flourished; They tried to use the best words and the most accurate words and expressions to show all their faith, love and passion. This study seeks to examine only a few excerpts and to show whether the subject matter of the work has any side effects. Medicine, mysticism, jurisprudence, and theology were selected and analyzed. The nature of the work is not a description, but there are still signs of bias or lack of bias in it.

Keywords: Introduction, Praise, Compassion, Naat, Praise, Praise, Effect, Books

بررسی هم سوئی تحمیدیه دیباچه ها بامتن، دربرخی کتب منشورفارسی از قرن ششم تا پایان قرن چهاردهم هجری قمری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۸

محمدانثی عشری^۱داریوش کاظمی^۲مریم شایگان^۳

چکیده

رسم دیباچه نگاری از روزگاران کهن تا قرن چهاردهم قمری که مقدمه نویسی رونق بیشتر گرفت؛ رایج بوده است. نویسنده در ابتدای کلام خود و برای آغاز برنگارش، حمد خداوند تبارک و تعالی، نعت پیامبر (ص)، امامان و گاه خلفای دین، مدح پادشاهان، بزرگان و... را سرلوحه کار خود قرار می داد و متن خود را با ذکر و یاد آنها متبرک و تأیید می نمود. آنها سعی داشتند بهترین الفاظ و دقیق ترین واژگان و اصطلاحات را به کاربرند تا همه ایمان، عشق و علاقه خود را نشان دهند. دیباچه ها که معمولاً بعد از اتمام کتاب و اثر به وسیله خود نویسنده یا دیگری به نگارش درمی آمدند و در ابتدای اثر قرار می گرفتند؛ حاوی اطلاعات مفید در باب اثر، نویسنده، روزگار او، هم عصرانش و... است که بررسی و تحلیل آنها حائز اهمیت بوده و راهگشا. این پژوهش می خواهد فقط تحمیدیه چند دیباچه را مورد بررسی قرار داده و نشان دهد که آیا با موضوع اثر هم سوئی دارد یا نه؟ آیا با خوانش و دقت در تحمیدیه می توان موضوع اثر را حدس زد و یا این کار گمراهی است و به بی راهه رفتن؟ تعدادی اثر به صورت کاملاً اتفاقی در موضوعاتی چون: تاریخ، جغرافیا، نجوم، طب، عرفان، فقه و کلام انتخاب شد و مورد تحلیل قرار گرفت. بررسی هانشان از آن دارد که هر چند تحمیدیه هدفی دیگر دارد و از برای بیان موضوع اثر، شرح و توضیح آن نیست؛ اما باز هم نشانه هایی از هم سوئی یا عدم هم سوئی در آن دیده می شود. در پایان، نتیجه پژوهش به سه گروه ختم گردید: هم سوئی با موضوع اثر، عدم هم سوئی و یا هم سوئی اثر با چند موضوع مختلف.

کلیدواژه: دیباچه، تحمیدیه، هم سوئی، نعت، ستایش، تحمیدیه، اثر، کتب

اهداف

بررسی هم سوئی تحمیدیه دیباچه ها بامتن، دربرخی کتب منشورفارسی

رسیدن به هم سوئی یا عدم هم سوئی دیباچه ها بامتن کتب

سوالات

آیا تحمیدیه دیباچه ها بامتن کتب، هم سوئی دارد یا نه؟

چه تحمیدیه هایی بامتن کتب، هم سوئی دارند و کدام یک ندارند؟

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.^۲ استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.^۳ استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

۲-۱- بیان مسئله

بررسی مطالبی که در دیباچه ذکر شده است اطلاعاتی را از اثر در اختیار خوانندگان و محققان قرار می دهد یکی از این اطلاعات در باب موضوع اثر و اینکه در چه زمینه ای نوشته شده است می باشد هر چند در این تحقیق تمامی دیباچه مورد بررسی قرار نمی گیرد اما باز هم تحمید دیباچه هانشانه هایی از موضوع کتاب دارد که با دقت و موشکافی واژگان، اصطلاحات، جملات و... می توان به آنها دست یافت و هم سوئی با موضوع اثر اثبات کرد. باین وجود، گاه در بررسی هادیباچه هایی دیده می شود که با موضوع اثر، هم سوئی ندارند شاید این مشکل در ادامه بحث دیباچه که مورد بررسی مانیست؛ بر طرف شده باشد.

بررسی پاره ای موارد (مثلاً تحمید) در آثار مختلف و مقایسه آنها با هم، باعث به وجود آمدن آثاری مفید و خاص بر اساس موضوعات مختلف می گردد که کارمراجع کنندگان و کسانی را که دنبال موضوعات جزئی با عناوین مختلف هستند آسان تر می کند. همچنین تحلیل و بررسی آثار با موضوعات گوناگون، مخصوصاً از جنبه هایی که کمتر مورد توجه قرار گرفته و در آن زمینه کار نشده است ضرورت انجام چنین تحقیقاتی را بیشتر کرده و به آنها اهمیت فراوان می دهد.

۲-۲- پیشینه پژوهش

دیباچه نگاری، بررسی و تحلیل آن سابقه ای به درازای نویسنده و خط دارد از زمانی که نوشتن و خط پایه عرصه وجود گذاشته اند بررسی و نقد نوشته هاهم تولید یافته است همین تحلیل و بررسی ها بوده که نویسنده ای را در صدر نویسندگان و جایگاه و الاقرارداده و یا آن را از زمره نویسندگان جدا کرده یا اطلاعاتی را از نویسنده ای در اختیار اهل تحقیق گذاشته است. دیباچه حوادثی تاریخی را آشکار می کند و پرده از روی رازها برمی دارد و بسیاری موارد دیگر که می تواند از دیباچه ها استخراج شود اهمیت بررسی و کنکاش آنها را دوچندان و حتی بیشتر نموده است.

تحمیدها به عنوان بخشی از دیباچه، گاه به صورت جداگانه و گاه همراه با کل دیباچه مورد بررسی قرار گرفته اند اما هر چه گفته آید باز هم گفتنی هایی وجود دارد که ارزش بررسی و گذاشتن وقت را داشته و دارد.

شاید به تحمیدها کمتر به عنوان یک منبع و مرجع برای تحقیق توجه شده باشد اما بررسی و توجه به آنها به عنوان ماده تحقیقی می تواند اطلاعات زیادی را ارائه کند و راه گشاگرد پس دارای اهمیت خاص و ویژه ای هستند. بررسی دیباچه ها و تحمیدها در طول ادوار مختلف توسط نویسندگان، منتقدان و پژوهشگران، بارها و بارها صورت گرفته است. هر کدام از آنها از دیدگاه ها و دریچه های مختلفی به بررسی پرداخته و به نتیجه یا نتایج گوناگونی هم دست پیدا کرده اند که به ذکر نمونه هایی از آنها اکتفا می شود. دکتر غلامرضا ستوده و محمد نجف زاده بار فروش در کتاب «تحمیدیه در ادب فارسی» که شامل سه جلد می باشد به بررسی تعدادی از تحمیدیه ها پرداخته اند. همچنین دکتر سید ضیاءالدین سجادی در کتاب «دیباچه نگاری در ده قرن»، حدود نوید دیباچه را تحت عناوین ادبی، تاریخی و جغرافیایی، تفسیر و علوم قرآنی، داستان، دینی و اخلاقی، عرفانی و علمی، گردآوری می کند. مقالاتی هم در این زمینه نوشته و منتشر شده است از جمله «دیباچه نویسی متون تاریخی افشاریه، تداوم و تحول در یک سنت تاریخی» از گودرز رشتیانی یا «دیباچه؛ مجلس انس نویسنده و خواننده» از نصرالله پورجوادی، «شرح دیباچه های منثور مشنوی مولوی» از حاج محمد حسین حسینی قزوینی شیرازی، «دیباچه در شاهنامه و رسالت فردوسی» از تیمور مال میر.

این پژوهش بر آن است تا تحمیدیه تعدادی از آثار مختلف را که موضوعاتی متفاوت و گوناگون دارند بررسی کند و با تحلیل و کنکاش واژگان، اصطلاحات، جملات، مفاهیم، اطلاعات ذکر شده و... و مقایسه آنها با موضوع اثر به نتیجه هم سوئی یا عدم هم سوئی با موضوعات مختلف، دست پیدا کند تا بتواند راه را برای بررسی های این چنینی باز کرده مثمرتر، واقع گردد. برای این کار ابتدا هفت، موضوع از بین موضوعات گوناگون انتخاب گردید سپس سعی شد تعدادی کتاب، از هر موضوع، بدون هیچ گونه برتری انگاری و امتیازبندی انتخاب گردد و تحمیدیه آنها از نظر هم سوئی با موضوع اثر، مورد بررسی قرار گیرد. پس از بررسی های به عمل آمده و تقسیم بندی نتایج تحقیق مشخص گردید که تحمیدیه ها از نظر هم سوئی با موضوع اثری که در ابتدای آن نوشته شده اند به سه دسته تقسیم می شوند. دسته اول آنهایی هستند که هم سوئی تحمیدیه با موضوع اثر کاملاً آشکار و واضح است. با بررسی این دیباچه ها حتی بدون خواندن متن اثر هم می توان گفت که این کتاب در چه موضوعی نگارش یافته است. دسته دوم از تحمیدیه ها آنهایی هستند که با موضوع اثر خود، هم سوئی ندارند در نتیجه اگر متن، خواننده و بررسی نشده و یا خواننده اطلاعاتی قبلی از آن نداشته باشد در مورد موضوع اثر به گمراهی کشیده شده و اشتباه خواهد کرد و تعدادی از تحمیدیه ها هم وجود دارند که هم سوئی با موضوعات مختلف دارند یعنی نشانه هایی از انواع موضوعات در آنها دیده می شود.

۴-۲- تعاریف و کلیات

دیباچه: در فرهنگ های لغات و همچنین در کتب، مقالات و نوشته های گوناگون، تعاریف و معانی متعددی در باب دیباچه، ذکر گردیده است که حاصل تحقیقات، دیدگاه ها و نظرات محققان و نویسندگان آثار، به عرصه نمایش گذارده می شود. به طور خلاصه، دیباچه از دو بخش «دیبا» و «چه» تصغیر ساخته شده است.

«دیبا» به معنای «قماش با شد از حریر الوان» (برهان). قماش است ابریشمین در نهایت نفاست. (برهان ذیل طراز). و دیبه حریر نیک و دیباچه معرب آن است. (انجمن آرا). حریر نیک. (آندراج) نوعی از جامه ابریشمی و منقش باشد. (غیاث) (آندراج). جامه ابریشمین، دیبا و دیبه نیز گویندش. تعریض دیباچه و تازیش حریر بود. (شرفنامه منیری)... مجازاً نوشته نیک، لطیف و ظریف «لغت نامه دهخدا، ذیل واژه دیبا»

«مرحوم دکتر محمد معین در حواشی برهان قاطع ذیل «دیبا» نوشته است: «در پهلوی دیباک Depak از هندی باستان: دیپ، دیپاته Dip, Dipyate (زبانه کشیدن، پرتو افکندن، درخشیدن) ارمنی دیپاک، که وجه اشتقاق آن معین نیست. در فارسی دیبا، دیبه و دیباچه و دیوان از همین ریشه است، معرب آن دیباچه است، جزء اول آن dep و dep آن را از ریشه dup سومری (لوحه، خط) و دوپ duppu کدی گرفته اند.» (سجادی، سید ضیاء الدین، ۱۳۷۲، ص ۵) البته به نظرمی رسد نظر علمی دکتر محمد معین بر سایر نظر ها، برتری داشته باشد.

«مرحوم پورداوود در فرهنگ ایران باستان «دیباچه» را به کلمه دیپی و دیپور و دوپ معنی لوحه و خط هم ریشه دانسته با کلمات: دبستان، دبیرستان، دیبا، دیبا، دیبه و دیوان هم ریشه و از یک خانواده می داند.» (همان)

«دیباچه یعنی خطبه و سرآغاز و عنوان کتاب در نظر نویسندگان و ادیبان و سخن پردازان در دوران های مختلف ادبی و علمی، مهم و قابل توجه بوده و غالباً بیشتر هنر و مهارت نویسنده را به خود در دیباچه نگاری به کار می برده اند از حمد و ستایش خداوند بزرگ و سپاس نعمت های او و نعت پیامبر اکرم (ص) آغاز کرده و پس از آن به ذکر غرض تصنیف و تالیف کتاب و سایر خصوصیات آن می پرداختند.» (سجادی، سید ضیاء الدین، ۱۳۷۲، ص ۸)

«دیباچه نویسی پیشینه ای به قدمت متون ادبی و تاریخی دارد یعنی مورخان و ادیبان همزمان بانگارش متن، عموماً دیباچه یا مقدمه را در ابتدای اثر خود می نوشتند کمتر متنی را می توان یافت که دیباچه یا مقدمه نداشته باشد» (رشتیانی، گودرز، ۱۳۹۰، ص ۴۰)

اولین برخورد و تماس خواننده و نویسنده در دیباچه صورت می گیرد تا راه ورود به متن را برای خواننده باز کند. هنر نویسنده است که بتواند او را به متن جذب کند و اینامده برش گرداند.

دیباچه عکس العمل خواننده را نسبت به متن تعیین می کند نویسنده خود و اندیشه و تفکرش را قبل از متن، در دیباچه بر خواننده عرضه کرده تا شاید اساس الفت و آذسی به وجود آید و خواننده دست از متن برنداشته پادراستانه گذارد و داخل گردد.

«تقریباً تا آغاز قرن چهاردهم هجری قمری این نوع دیباچه نگاری متداول بوده و در قرن چهاردهم مقدمه نویسی معمول شده به خصوص در کتاب‌هایی که تصحیح و تحقیق در آنها انجام گرفته که غالباً خطبه کتاب کوتاه تر و موجزتر است اما کیفیت تحقیق و تصحیح و شرح حال مولف یا مصنف اصلی و موضوع کتاب و سبک و شیوه نگارش و اهمیت کتاب مفصل‌تر بحث شده و گاهی مقدمه به تناسب اهمیت کتاب و تحقیق در آن صفحات بسیاری را اشغال کرده است.» (سجادی، سیدضیاءالدین، ۱۳۷۲، ص ۱۱)

تحمید: [ت] [ع] (مص) مبالغت کردن. (تاج المصادر بیهقی) مبالغه حمد (زوزنی) نیک ستودن. (دهار) نیک ستودن و پی در پی ستایش کردن (غیث اللغات) (آندراج) نیک سرودن و پی در پی سرودن... (لغت نامه دهخدا، ذیل واژه تحمید)

تحمیدیه در اصطلاح سخنی است به نظم یا نثر که در آن شاعر یا نویسنده به حمد، نعت و ستایش خداوند یا پیامبر (ص) و اولیای دین می پردازد.

«از نخستین آثار نظم و نثر پارسی تازمان حاضر، رسم و روش بسیاری از شاعران و نویسندگان و دانشمندان این بوده است که در صدر دیوان و مقدمه کتاب منشور و یا اثر علمی خویش، شکر و سپاس ایزدمتعال را بجای آورده و سخنانی پرورده و شیوادر حمد و تسبیح خدا، به رشته نظم و یادر سلک عبارت کشیده اند. سپس به ستایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم پرداخته و باهمان کلام متین و مزین به صنایع لفظی، بر بنیان آیات قرآن و مضمون احادیث، در شأن و مقام و منزلت پیامبر داد سخن داده اند. و این حمدگفتن از برای خدا و ادای احترام به پیامبر اسلام، محمد مصطفی (ص) را در صدر نامه ها و خطبه ها «تحمیدیه» گفته اند.» (ستوده، غلامرضا و نجف زاده بارفروش، محمد، ۱۳۶۹، ش، پیشگفتار، ص سه)

هم سو: [ه] [ص] مرکب) دو چیز که در یک جهت در حرکت باشند.» (لغت نامه دهخدا، ذیل واژه هم سو)

۳- بحث و بررسی

در ابتدا باید گفت که رسیدن به موضوع کتاب و اثر، بر اساس بررسی بخشی از دیباچه (تحمیدیه در این پژوهش) کاری سخت و دشوار است به ویژه از آنجا که نویسنده به خاطر پرداختن به هدف اصلی خود یعنی

حمد و ستایش خداوند باری تعالی و از آنجا که هنوز وارد بحث اصلی کتاب نشده است؛ از واژگان و اصطلاحات مختلفی استفاده می‌کند و از علوم گوناگون، خود آگاه یا ناخود آگاه کمک می‌گیرد؛ اصطلاحات و واژگانی می‌آورد که دوراهی یا چندراهی‌هایی ایجاد می‌کنند و خواننده صرفاً با پرداختن به تحمیدیه و نخواندن متن اثر و عدم اطلاع از موضوع آن، بر سر آن راه‌های ماند و در انتخاب با تنگنا روبرو می‌شود هر چند ادامه دیباچه و مخصوصاً مواردی که نویسنده در آنها از موضوع اثر، محتوا یا ساختار اثر خود، سخن به میان می‌آورد حلال مشکل خواهد شد اما در تحمیدیه این مشکل پابرجاست و برای رفع خود، ادامه رامی‌طلبد.

شاید چنین سوالاتی هم به ذهن بیاید که آیا هم سویی نداشتن تحمیدیه با موضوع اثر، عیب، ایراد و نقصی بر نویسنده و متن او است؟ آیا گفته شود تحمیدیه در جهت موضوع اثر، نیست؛ نشانه غفلت نویسنده در نگارش و یا عدم آگاهی او است؟ در پاسخ باید گفت: اصولاً هدف از تحمیدیه و نگارش آن، بیان موضوع اثر و نشان دادن محتوای اثر نیست. تحمید نوشته می‌شود تا ستایش خداوند تبارک و تعالی بر جسته شود؛ نوشته می‌شود تا حمد و ستایش خداوند، برتری دانستن پروردگار و اولویت آغاز کارها از جمله نوشتن‌ها به نامش، نشان داده شود. تحمیدیه تبرک‌یست در ابتدای سخن. فراتر از آن است که جولانگاهی برای خواهش‌های انسانی شود فقط و فقط ستایش است و بس. اشاره به وجود بزرگی و عظمت، خالقیت و پروردگاریت، گرم و بخشش و... است. نویسنده به خود اجازه خروج از چارچوب حمد و ستایش اورانمی‌دهد و یا صلانمی‌خواهد غیر مرتبط‌ها را به حیطه آن وارد کند تا شاید خدایی نکرده خدش‌های به هدف اصلی او وارد نشود و یا مواردی نیاید که هدف را تحت الشعاع قرار داده و به حاشیه ببرد. پس خرده‌ای بر او نیست که موضوع در تحمیدیه نشان داده نشود چون جایگاه بروز نشان دادن موضوع در تحمیدیه نیست «هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد» (حافظ شیرازی، ۱۳۹۷، ص ۱۶۹)

حال با وجود چنین مشکلات و محدودیت‌هایی، باز هم، بررسی تحمیدیه‌ها از نظر هم سویی با موضوع اثر، نتایج و اطلاعاتی به دست می‌دهد که می‌توان به تقسیم‌بندی‌هایی در این زمینه هم دست یافت گرچه بررسی و رسیدن به نتایج بیشتر و قاطع‌تر، منوط به بررسی کل دیباچه و حتی متن اثر دارد که از حیطه این تحقیق، بیرون بوده و پژوهشی دیگر رامی‌طلبد.

لازم به ذکر است که در این تحقیق، اطلاعاتی که در باب انواع کتب مورد بررسی پژوهش، ارائه شده است؛ برگرفته از نرم افزارهای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در قم می‌باشد که اطلاعات کامل و جامع آن نرم افزارها در بخش منابع بیان شده است.

۱-۳- کتب تاریخی:

۱-۳-۱- راحة الصدور و آية السرور (اعلام الملوك)

راحة الصدور و آية السرور (اعلام الملوك)، نجم الدين ابوبكر محمد بن علي بن سليمان راوندي، تصحيح

محمد اقبال

این کتاب که از منابع مهم و اخیر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری و از معتبرترین و سودمندترین آثار مکتوب

فارسی پیش از حمله مغول به شمار می‌رود، اطلاعات تاریخی و اجتماعی فراوانی درباره اوضاع ایران در آن

روزگاردربردار دوازدهم و هوش درباره دولت سلجوقیان آغاز می‌شود و کار آنان را از آغاز تا سرانجام سلطان سنجر پی می‌گیرد.

تحمیدیه:

«... و صدهزار چندین همچین ثنا و آفرین آن پادشاهی را که اطنا ب سرآورده کبریا پیش را تندباذ عزل نگسلد باق لا یعزل، و ستایشهای بیقین جهاننداری را که بر درگاه جلالش پرده‌دار نشیند تا جویندگان فضل را در نهلذ یعدل و یفضل...» (راوندی، محمدبن علی، ۱۳۶۴، ص ۲)

آوردن واژگانی چون پادشاه، سرآورده، عزل، جهاندار، درگاه، جلال و فضل، اثری تاریخی را به یاد می‌آورد و خواننده را به این نتیجه می‌رساند که محتوای کتاب تاریخ خواهد بود.

«... دانای همیشه، گویای بی‌اندیشه، خالق لا یزال، رازق پرکمال، صفت خالقیش نه بایجاد مخلوقانست، نعت رازقیش نه بابداع مرزوقانست، کما کان بصفاته ازلیاً کذلک لا یزال علیها ابدیاً و هُوَ عَلِیُّ ۱ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ و کُلِّ شَیْءٍ عَلِیْهِ یَسِیر، بر هرچ رقم ارادت زند بدو و شاق زنگی کله کن آنرا در زمان، عنان از جهان عدم سوی میدان قدم گرداند ما شاء الله کان، و هرکرا در کنج ناخواست بنشانند داد افنا و اعدام ازو بستانند ما لم یثأ لم یکن، یکی را جامه گازرشت ایمان درپوشانند و بلای کفر ازو بگردانند فضلا منه، و یکی را بر چارسوی خذلان بدگان حرمان بنشانند و بکار او بندانند عدلا منه، ناز همه ازوست نیاز همه بدوست...»

حدوث و قدم و وجود و عدم بنده قدرت و چاکر عزت او اند، رحمت میر بار جلال اوست و عزت پرده‌دار کمال او، عزیز رحیم، ذات منزّهش ز کجا و کی بیرونست و فعل مقدّسش پاک از چرا و چونست نه بقایش را زمان پیمود و نه ذاتش را مکان فرسود، قادری که قهرش کوه قاف را بکاهی برنسنجد، نیست را هست کند هست را نیست گرداند، ز هستی فارغ ز نیستی مستغنی...» (راوندی، محمدبن علی، ۱۳۶۴، صص ۳ و ۴)

امادارادامه تحمیدیه، واژگان، اصطلاحات و مفاهیم عرفانی برتری می‌یابد. گویا اثری عرفانی شکل خواهد گرفت. بیان قدرت خداوند در خلق جهان، فنا و نابود کردن مخلوقات، هدایت و یا خذلان آنها، همچنین آوردن ترکیبات و واژگانی مثل خالق لا یزال، رازق پرکمال، جهان عدم، میدان قدم، ایمان، کفر، حدوث و قدم، وجود و عدم و... همه و همه ذهن را به سمت متنی عرفانی سوق می‌دهد.

«... قدرتش چابک دستیست که هزار مهره زرین بصنع بلعجب از هفت حقه مینا بنمود، اوج کیوان هفتم آسمان کرد تا بهفتم کشور زمین هند ازو مسعود شوند، هفت کشور را بر سعادت مسند نشین صدر ششم گواه کرد تا قضاة بلاد رشاد ازو طلبند، جلاد سرخ لقای صف پنجم را از سیاه‌دلی چنان گردانید که چون مرغ نظر را بر کنگره کشوری نشانند بر نپرانند تا جوی خون در آن کشور نرانند، و سلطان یک سواره را پنج نوبت بر طارم چارم بزد تا یاوگیان جهان بدان طرف رانند و اقطاع ازو ستانند، و چار بالش طرب در بزمگاه سوم برافراخت تا مطرب خوش نوا الحان بساخت و کار طرب ازو پیرداخت، و سه نوبت بوزیر دوم داد تا بقلم ضبط کار عالم بکند، و مشعله دار را بر رواق ازرق که

اول ورق رقی دفتر افلاکست بنشانند تا ز نور او کار عالم بنوا شود، پس جلال و کبریای خود را خطبه
ثنا برخواند فَتَبَّ اَرْكَ اللُّهُ اَحْسَنُ الْخَالِقِينَ...» (راوندی، محمدبن علی، ۱۳۶۴ش، ص ۴)

بخش پایانی تحمیدیه که اشاره به خلقت هفت آسمان، سیارات هفتگانه و کارکرد آنها دارد و با واژگانی
و ترکیباتی چون: هزارمهره زرین، حقه مینا، کیوان، هفتم آسمان، جلداسرخ لقای صف پنجم، افلاک و... بیان شده
است؛ یادآور متن و اثری در باب نجوم و ستاره شناسی می باشد.

این اثر، تحمیدیه ای بسیار طولانی دارد و به طور خلاصه می توان گفت که در آن هم سویی باموضوعات
تاریخ، عرفان و نجوم به چشم می خورد.

۲-۱-۳- مجمع الانساب

مجمع الانساب، اثر فارسی محمدبن علی شبانکاره‌ای، تاریخ عمومی ایران است که به بیان برخی حوادث
تاریخی، از حضرت آدم (ع) تا روزگار مغول پرداخته است.

علاوه بر نام فوق، از کتاب در نسخ مختلف، به نام «جامع الانساب» و «بحر الانساب» نیز یاد شده است.

تحمیدیه:

«... سپاس و ستایش حضرت مقدس منزّه او را سزد، تقدّس و تعالی که مالک الموت بحق و واجب
الوجود مطلق است. پادشاهی که قدرتش با کمال و قوتش بی زوال است. ملکی که درگاه او را حاجت
به وزیر و مشیر و بواب و نوّاب و فرّاش و دورباش نیست. بیت:

پادشاه بی وزیر و فرارغ از عون و معین
کردگار بی نظیر و خالی از شبه و مثال...

عقول اهل عقول و مه ندرسان
کفات» (شبانکاره‌ای، محمدبن علی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۳)
کجارسدبه
سراپرده جلال تو

در باب هم سویی تحمیدیه مجمع الانساب باموضوع تاریخی کتاب می توان گفت با توجه به واژگانی که
در آن به کار رفته است مثل مالک، پادشاه، ملک، وزیر، مشیر، بواب، نوّاب، فرّاش، دورباش، سراپرده و... باموضوع
کتاب، همان تاریخ، هم سویی دارد.

۳-۱-۳- تاریخ مازندران

تاریخ مازندران، اثر ملا شیخعلی گیلانی، تاریخی به زبان فارسی است که در سال ۱۰۴۴ق تدوین شده و در آن
مطالبی درباره خلقت عالم و آدم، فهرستی از نامهای سلاطین ایران و حکمرانان طبرستان، دوران حکومت ایشان و ذکری
از خاندانهای قدیمی مازندران در دوران شاه عباس دیده می شود.

تحمیدیه:

«...دیباچه‌های کتب تواریخ و بناو منشآت صحایف دعاو ثنابرای حصول رضای پروردگاری تواند بود که عنوان‌نامه نامی که خامه مورخان بلاغت‌بیان و منشیان فصاحت‌نشان جهت ترتیب این مبادرت نمایند، به ذکر اسمای حسنا و اموشخ و مزین است...

و فهرست نگاشته‌های گرامی که بنان مترسلان طلاق لسان تألیف آن را سرمایه دانش خود سازند، به شرح آرای بی‌انتهای او موضح و معنون...

و ابداع بدایع تحیت و سلام به روضه بزرگواری سزاوار است که زیب کلام بلاغت نظام فصحای انام به ایراد نعت و درود خجسته و رود او منوط است و زین مؤلفات مورخان فصاحت انتمای ایام به ارقام وصف و ثنای وجود فایض الجودش مربوط...» (گیلانی، شیخعلی، ۱۳۵۲، ص ۳)

در تحمیدیه این اثر، ضمن ذکر حمد و ستایش خداوند تبارک و تعالی؛ آوردن اصطلاحات و ترکیباتی مثل: دیباچه‌های کتب تواریخ، خامه مورخان بلاغت بیان، منشیان فصاحت نشان، یازین مؤلفات مورخان فصاحت انتمای ایام، که نشان از کتابی تاریخی دارند هم سویی باموضوع تاریخ و تاریخ نگاری اثر، قابل مشاهده خواهد بود.

۴-۱-۳- تاریخ جهان آرای عباسی

تاریخ جهان آرای عباسی، از مهم‌ترین منابع فارسی روزگار صفویه، به ویژه حکومت شاه صفی و شاه عباس دوم است که به قلم میرزا محمد طاهر و حیدر قزوینی، مورخ دربار شاه عباس دوم، به درخواست سید علاءالدین خلیفه سلطان وزیر اعظم شاه، نگاشته شده و به تصحیح و تعلیق سید سعید میرزا محمد صادق می‌باشد.

تحمیدیه:

«...بساط احتیاج مکان را به دست بی‌نیازی درهم پیچیده و فلک کرسی را از اطلس غاشیه بر روی کشیده، از خطوط شعاعی خورشید عالم تاب طناب‌های قورق کشیده که به یک نگاه، شوخ چشمان را از آن در نگذرد. کواکب سیارش ریگ روان بادیه جاه و جلال و صحایف لیالی و ایامش یک ورق از دیوان عظمت و اجلال...

زبان بلغای فصیح بیان در و صفش از پیچ و تاب کمند انفاس نار سا چون ماهی در دام مانده و دل‌های تجرد منشان لامکان سیر را چون دانه در این دام افشاند. چمن پیرای الفتش یاقوت را از آب و آتش کسوت گل رعنا پوشیده...» (وحید قزوینی، محمد طاهر بن حسین، ۱۳۸۳، ص ۱)

در بخش ابتدایی بسمله، آمدن واژگان و ترکیباتی چون: فلک کرسی، خطوط شعاعی خورشید عالم تاب، کواکب سیار، لیالی و ایام و... نشان از متنی نجومی دارد.

«...خاصیت مشغولی ذکرش زبان سوسن را بر سر تاج اعتبار نموده خواب بلبلان را از دیده پندار به شوق تماشای گلزار در گریبان چمن ریخته و به نیرنگ بدایع قدرت از سبزه و آب بیداری و خواب را درهم آمیخته، دست قدرتش را از سرو برافراخته، تیغ عاشق نوازی کشیده، و شحنه عدالت کیش مروّتش به مکافات جامه صبر عندلیبان جیب گل‌های چمن برهم دریده...

گل بر فراز منبر شاخ از شمیم عبیر آگین به طیب خلق او لب گشوده، مهر آسمان مانند طلبکاران ماه نو از پشت بام گردون، جمال جهان آرای او را به مردم نموده، خواب را، عینک دورنمای بیداردلان ساخته

که به آن، جزئیات افتادگی و تسلیم را توانند دید، و از این گلستان نمود بی بود، گلهای بی اعتباری
توانند چید...» (وحیدقزوینی، محمدطاهرین حسین، ۱۳۸۳ش، صص ۱ و ۲)

در ادامه بسمله سخن در باب بلبلان، گلزار، سبزه، آب، گلهای چمن، عندلیبان، منبرشاخ، گلستان و... متن را به
سمت جغرافیا و مسائل طبیعی می برد.

«...شادروان کالبد انسان را به ستون استخوان و طناب ظاهرا نفس، برافراشته و از مرایای تجلیات ظهور،
نقاب حجاب در پیش چهره جهان آرا داشته یکی را از شعله شوق چون داغ لاله بر تخت بلندپایه
عزت، خاک ستر نشین می سازد و دیگری را مانند سیاهی داغ از دیده اعتبار می اندازد. در این حال اگر
خامه قاصریان، با زبان چوبین در معرض مدیح سگالی در آید عیوب پوشیده خود را به انگشت به
مردم نموده باشد و زنگار عیب پوشی را از این آینه نقص نما به مصقل سعی زدوده، به درگاه عظمت
که مرآت حقیقت نمای اشیاء است از نفایس محمادت چه تحفه برم که چون نگاه از آینه، باز به من
رد نشود.

بیت

انگشت حیرتست زبان در

ای حیرت صفات تو بند

دهان ما

زبان ما

با شوق دل چه سازم که با آنکه چون حباب زبانم را آب کرده، بازم سرگشته بحر شگرف این آرزو
می سازد.

بیت

در زبانم وصف او چون بوی دربرگ گلست می توان از من شنیدن نام جانان بی سخن
زهی ولی نعمت حقیقی که پیوسته، از روز و شب سفره الوان گسترانیده و قسمت دور و نزدیک را از
ماید احسان به یک نسبت رسانیده، خاک را در چله خانه «و حمرت طینه ادم بیدی اربعین صباحا»
مظهر غرایب اسرار و بدایع آثار گردانیده از پایه مذلت خاکساری به اوج سعادت و صاحب اعتباری
رسانیده و اجزای پریشان این غبار فرسوده را از رگ ابر رحمت شیرازه جمعیت بسته و به اشاره
انگشت قلم صنع اوراق حواس را در یکدیگر پیوست.» (وحیدقزوینی، محمدطاهرین حسین
۱۳۸۳ش، صص ۲ و ۳)

وجود اصطلاحات عرفانی که در سرتا سر بسمله به چشم می خورد در کنار هدف اصلی آن، که حمد و ستایش
خداوند است فضایی عرفانی به وجود آورده گویا متن برای اثری عرفانی نگارش یافته است. سخن از مواردی
چون: دادن قدرت سخن سرایی به زبان، گذاشتن رضا و تسلیم در دل، توصیف جاه، جلال و عظمت
خداوند، اظهار غیر قابل وصف بودن او، زینت دادن جهان، عدم توانایی بر مدح الهی، شوق نسبت به پروردگار و همچنین
بیان اصطلاحاتی چون: رضا، شوق، عزت، عظمت، لذت، تسلیم، شاهد و... نشان از عرفان و متنی عرفانی دارد. دقت
در تحمیدیه و بررسی هم سویی در آن، نشان می دهد که با موضوعات نجوم، جغرافیا و عرفان هم سویی پیدامی کند.

۳-۲- کتب جغرافیایی:

۱-۲-۳- آثار عجم

آثار عجم، توسط محمدنصیر حسینی شیرازی، مشهور به فرصت و ملقب به فرصت الدوله ۱۳۳۹-۱۲۷۱ ق نگاهشته شده است. این کتاب چندی قبل توسط دکتر منصور رستگار فسایی تصحیح و تحشیه شده است.

تحمیدیه جلد اول:

«... سپاس بی پایان و ستایش بیکران، شایان درگاه پاک یزدانی که از دست توانایی، در نخستین روز، بی اندیشه، گیتی را پدیدار نمود و به خامه نیروی سرنوشت، چهره جهانیان را نگارش فرمود؛ آخشیجان مردمان رابه جان، انباز داشت و در جان ایشان دانش گذاشت که آن بی‌انبار، بندگان آورد و پژوهش کنند؛ نه جمشید و ده‌آک به تخت و افسر، از آستانش بی‌نیازندونه اسکندر و دارا به کشور و لشکر، به درگاهش گردن فراز...» (فرصت شیرازی، محمدنصیر بن جعفر، ۱۳۷۷ ش، ص ۱)

در تحمیدیه جلد اول، به طور خلاصه و با ایجاز از آفرینش جهان و جهانیان، انسانها و دانش دادن به آنها سخن گفته شده که خود تاریخ گونه ای است. همچنین با آوردن نام برخی از پادشاهان (جمشید، ده‌آک، اسکندر و دارا)، نیازمندی و کوچک بودن آنها در مقابل خداوند و بیان واژگانی چون: درگاه، بندگان، تخت، افسر، آستان، کشور، لشکر، می‌توان گفت با تاریخ و تاریخ نگاری هم سویی بیشتری خواهد داشت تا جغرافیا.

تحمیدیه جلد دوم:

«... خداوندی را بنده‌ایم و پروردگاری را پرستنده، که افزاینده سپهر است و افزاینده ماه و مهر...» (فرصت شیرازی، محمدنصیر بن جعفر، ۱۳۷۷ ش، ص ۴۳۷)

تحمیدیه جلد دوم که با آفرینش آسمان، ماه و خورشید شروع می‌شود به متون نجوم، نزدیکی و هم سویی بیشتری پیدامی‌کند تا جغرافیا.

«... آفریننده سپید و سیاه است و بخشنده دیهیم و گاه...» (فرصت شیرازی، محمدنصیر بن جعفر، ۱۳۷۷ ش، ص ۴۳۷)

واژگانی چون دیهیم و گاه، که در ادامه تحمیدیه آورده شده اند؛ ذهن رابه طرف مسائل تاریخی، پادشاهی و سلطنت سوق می‌دهد.

«... خرد، گوهری از دریای ژرف آفرینش اوست و روان، فروهری از گنج شگرف دانش او... کردگاری که و خ‌شوران دانش آموز را پیدشوایان ناوران نمود و پیمبران هنراندوز را ره‌نمایان جهانیان فرمود» (فرصت شیرازی، محمدنصیر بن جعفر، ۱۳۷۷ ش، ص ۴۳۷)

در پایان، واژگانی چون: خرد، گوهر، روان، فروهر و همچنین بیان پیشواقرار دادن پیامبران و راهنما بودنشان برای جهانیان از طرف خداوند، متون عرفانی را هم به ذهن تداعی می‌کند.

به طور خلاصه و بر اساس آنچه که توضیح داده شد هم سویی با موضوعات تاریخ، نجوم و عرفان در تحمیدیه های این اثر به چشم می‌خورد.

بستان السیاحه، اثر میرزا زین العابدین شیروانی، به زبان فارسی، مشتمل بر اطلاعات بسیار و متنوع جغرافیایی، تاریخی، آراء عقاید فرقه‌های گوناگون مذهبی و نحله‌های فکری می‌باشد. کتاب، در واقع حاصل سفری ۳۷ ساله (۱۲۱۰-۱۲۴۷)، در دوره سلطنت فتحعلی شاه است که برای محمد میرزا، آغاز شد و در رجب ۱۲۴۸ پایان یافت.

تحمیدیه:

«...پرستش و ستایش شایسته بار شهر یاریست که بی‌مدد معاون و وزیر مدبر و مدیر بالا وزیر و جهاندار و جهانگیر کشت آلا له الخلق و الأمر تبارک الله رب العالمین و بی‌کمک مشارک و مشیر ناظم امور جماهیر و ناسق مهام برنا و پیر کردید خلق کل شیء فقدرة تقدیراً و کرایش و نیایش سزاوار تاج‌داری است که بی‌نمایش افسر و کلاه‌دهنده تخت و کاه و کیرنده دیهیم و بارگاه آمدت عز من تشاء و تذل من تشاء و بی‌آرایش لشکر و سپاه حکمران مهر و ماه و مالک رقاب و شاهنشاه شد فسبحان الّذی بیده ملکوت کل شیء

شاهنشاهی که بی‌مدد و لشکر و

سپاه

بر خسروان مسلم و مالک رقاب کشت

روشن‌نکر جمال خوش آفتاب

کشت...» (شیروانی، زین العابدین بن

اسکندر، ۱۳۱۵ش، ص ۲)

زینت‌ده مثال دلاویز زهره شد

واژگانی مثل: شهر یار، وزیر، جها ندار، جهانگیر، مشارک، مشیر، تاجدار، افسر، کلاه، تخت، گاه دیهیم، بارگاه، لشکر، سپاه، خسروان، سلطنت، پادشاه و... همچنین حمد خداوند را که با اختصا صاص پادشاهی، سلطنت، قدرت او همراه کرده است هم سویی آن را با موضوع تاریخ نشان می‌دهد.

«...سلطنت و پادشائی چنین خدائی را سزد و قدرت و توانائی چنین کبریائی را زبید که الم و عنا نکیرد و عدم و فنا نپذیرد کند هرچه خواهد و دهد بی‌آنکه از کنجینه‌اش کاهد لشکرش را فإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ کتیبه پرچم است و کشورش را و إِنَّا لَهُ لِحَافِطُونَ* حدودی محکم خاک را هستی دهد و در تاک مستی کذاردهد و ستاند کیرد و رساند هستی را از امر او وجود است و نیستی از قهر او نابود هرک را او کذاردهد که یارد که بردارد و هرکس را که او بردارد که تواند که فروکذاردهد بست او را کشود که داند و کاست او را فزود که تواند...

کائنات را بامر او تکوین است و بحکم او کردش آسمان و زمین...

علو ذاتش تا کریمه سبحانه و تعالی عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا شاهد صادق و کمال جلالش را عظیمه تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ نازل و ناطق» (شیروانی، زین العابدین بن اسکندر، ۱۳۱۵ش، ص ۲)

آمدن اصطلاحات و واژگانی چون: عدم و فنا، هستی، وجود، نیستی، قهر، کائنات، تکوین، کمال، جلال و... که در عرفان، کاربرد بسیار و معانی خاص دارند؛ عرفان و موضوع عرفان را هم به ذهن می‌آورد. پس هم سویی با تاریخ و عرفان رامی توان از آن استخراج کرد.

۳-۲-۳- جغرافیای حافظ ابرو

جغرافیای حافظ ابرو، اثر فارسی شهاب‌الدین عبدالله بن لطف‌الله بن عبدالرشید، مشهور به حافظ ابرو، مورخ قرن نهم هجری، در زمینه جغرافیا و گوشه‌ای از تاریخ ایران و برخی از بلاد اسلامی است.

تحمیدیه:

«سپاس بی‌قیاس مالک‌الملکی را که بیافرید آسمانها و مزین گردانید آن را به ماه و آفتاب و دیگر کواکب؛ و بیافرید زمین را و بیاراست مر آن را به مردم و دیگر مخلوقات تا بندگان خاص از نظر و تفکر در آن، توانایی و قدرت حق [سبحانه و تعالی] مشاهده نمودند و حقیقت بندگی و بیچارگی و عجز و ناتوانی خود معلوم کردند. چنانکه فرمود:

«و یتفکرون فی خلق السماوات و الارض. ربنا ما خلقت هذا باطلا. سبحانک فقنا عذاب النار...» (حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله، ۱۳۷۵ ش، ص ۴۵)

بنداول که در باب آفرینش آسمان و زمین و مزین کردن آنهاست که باذکروازگانی چون: آسمان ها، زمین، ماه، آفتاب، کواکب همراه شده است؛ نجوم رابه ذهن متبادرمی‌کند و هم سویی این بخش از تحمیدیه را با موضوع نجوم نشان می‌دهد.

«...و شکر و ثنا پادشاهی را که مسالک ممالک به انوار عدل و سیاست پادشاهان اقلیم مفتوح و مسلوک گردانید و معابر بحار و قفار و جبال را از شوکت سلاطین رفیع مقدار، دیدبانی هشیار کرامت فرمود تا خلیق از مشرق به مغرب و از شمال به جنوب آمد و شد کردند و شهرها و ولایتها معمور و مسکون گشت. «فَسُبْحَانَ الَّذِي بَدَأَ مَلَكُوتَ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ.» (حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله، ۱۳۷۵ ش، ص ۴۵)

در بند دوم، ذکروازگانی مثل: پادشاه، ممالک، عدل، سیاست، اقلیم، شوکت، سلاطین، دیده بانی... و سخن در باب پادشاهی و سلطنت دادن خداوند به دیگران و کارهایی که آنها در ممالک تحت تسلطشان انجام می‌دهند مربوط به تاریخ است و با متون تاریخی هم سوئی بیشتری پیدامی‌کند.

۴-۲-۳- البلدان

البلدان، تألیف احمد بن ابی‌یعقوب، معروف به یعقوبی (متوفای ۲۸۴ق)، کتابی با موضوع جغرافیای تاریخی است. این اثر، از قدیمی‌ترین کتب جغرافیایی عربی است که به دست مارسیده است.

تحمیدیه:

«...حمد، خدایی راست که کتاب خود (قرآن) را به «حمد» آغاز نمود؛ و حمد را پادشاه نعمتهای خویش و پایان دعای اهل بهشت خود قرار داد؛ آفریننده آسمانهای بلند و زمینهای پست، و آنچه میان آن دو، و آنچه در زیر خاک است؛ دانا بآنچه آفریده است پیش از پیدایش آن؛ و تدبیر کننده آنچه پدید آورده است، نه از روی نمونه‌ای از غیر خویش. علم وی همه چیز را فرا گرفت و شمار آن را دریافت. پادشاهی و سلطنت و عزت مرا و راست؛ و او بر همه چیز توانا است.» (یعقوبی، احمد بن

اسحاق، ۱۴۲۲ق، ص ۱)

با توجه به واژگان و جملات تحمیدیه باموضوع اثر که جغرافیاست هم سویی ندارد. بخش هایی هم که در مورد آفرینش آسمان ها، زمین و آنچه بین و داخل آنهاست می باشد بیشتر با کتب نجوم هم سویی دارد آنجا هم که ازدانایی، علم و تدبیر امور، صحبت می کند به کتب عرفانی نزدیک تر شده و هم سویی با عرفان را نشان می دهد.

۳-۳-کتب نجوم:

۱-۳-۳-اختیارات مظفری

اختیارات مظفری در اصل گزیده ای فارسی از کتاب نهیة الادراک فی درایة الافلاک (اثر قطب الدین شیرازی به زبان عربی) است. عنوان کتاب، اختیارات مظفری انتخاب شده چون اختیارات به معنای علمی تخمینی برای به دست آوردن اوضاع عالم و ممالک و شهرها و... با توجه به وضعیت ستاره ها و بروج است.

تحمیدیه:

«...سپاس و ستایش بی قیاس و مدح و حمد بی حد و عدد، لایق حضرت عزت صانعی باشد که حقه این شقه مینا را به درر غرر کواکب ثواقب و جواهر زواهر سیارات و ثوابت، مرصع گردانید؛ حکیمی که نیام تیغ انتقام عمل در قبضه زحل، نهاد؛ علیمی که مشتری رادر مسند سیادت قباب سعادت در پوشانید؛ قاهری که مریخ را در خطه پنجم، شحنه انجم گردانید؛ قادری که به قرص زر اندود آفتاب که به منزلت حدقه کل آفرینش است شیب و بالای عالم مجازی را منور کرد؛ لطیفی که ارغنون فنون در کنار زهره شهره نهاد تا ماه، قلندری از نغمات آن دراعه نور خرقه کرد؛ مدبری که کلک تدبیر به دست تیر که دبیر کشور دوم است داد؛ مقدری که مواکب کواکب رادر زین زرین پروین، کشید؛ پادشاهی که معبد قدرتش، هفت کعبتین زراندود در این طاس کبود، غلطان کرد و چندین هزار مهره بلور در دوازده خانه این رقعہ کحلی گردان تا به واسطه تأثیر این حرکات مهندس حکمتش، مهره اعمار و آجال کاینات عالم، گاه در گشایش حدوث و وجود، متحرک کرد و گاه، در مششدر اجل و عدم، ساکن الاله الخلق و الامر تبارک الله رب العالمین» (قطب الدین شیرازی، محمود بن مسعود، ۱۳۹۷ش، ص ۱)

آنچنان که توضیح داده شد اثر در باب نجوم است و آمدن واژگان و ترکیباتی چون: حقه این شقه مینا، کواکب، سیارات و ثوابت، زحل، مریخ، قرص زراندود آفتاب و... همچنین سخن در باب سیارات هفتگانه و کاربرد و نماد آنها در ادب فارسی، همه و همه نشان از متنی در باب نجوم و ستاره شناسی و در نتیجه هم سویی بانجوم دارد.

۲-۳-۳-کشف حقایق زیج ایلخانی

کشف حقایق زیج ایلخانی در اصل شرح کتاب زیج ایلخانی (اثر خواجه نصیرالدین طوسی) است. هر دو کتاب یعنی اصل و شرحش به زبان فارسی نوشته شده اند.

تحمیدیه:

«...اجناس بی قیاس که مقاطع او هام انا م از مطلع آن نشان نهد، و اعداد اعداد به حمد بی حد که نهایت افکار اولو الأبصار به ذات آن قاصر آید، حضرت واجب الوجودی را که چندین اشخاص منیر

و اجرام مستدیر را بی رؤیت و تفکیر در حین تسخیر و تصویر آورد و هر یک را از ایشان به حسب اختلافات مسیر بر مقتضای حکمت و تدبیر فرمود عالم اثیر تأثیری تقدیر فرمود فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ...» (نیشابوری، حسن بن محمد، بی تا، ص ۱)

آمدن واژگان واصطلاحات نجومی و ترکیباتی چون: اشخاص منیر و اجرام مستدیر، اختلافات مسیر در این بخش از تحمیدیه، به ذهن می آورد که اثر برای نجوم نوشته شده است.

در ادامه تحمیدیه، باز هم واژگانی وجود دارد که نشان از نجوم دارند مثل: لیل و نهار، سماوات، دوران فلک، کواکب، مهره زرین و سیمین، دوازده بروج زمردین، صومعه ملکوت.

«...ظاهری که دقایق حکمت او در اختلاف لیل و نهار مضمربود، باطنی که تحقق او از تفکر در خلق سماوات ظاهر شود که إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ. اوّلی که دوران افلاک اگر چه متصّف گردد به عدم بدایت به نسبت با ذات مقدّس او مسبوق بود. آخری که مسیر کواکب هر چند موسوم شود، بلا نهایت به گرد غایات جلال او نرسد. هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ. قادری که هفت مهره زرین و سیمین را در دوازده برج زمردین مجال داد. صانعی که در قرب و بعد یک طشت، مذهب چهار فصل تعبیه کرد. لطیفی که از تمامت مکنونات، نوع انسانی را به تعدیل مزاج مخصوص گردانید که لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ. علیمی که در استخراج خبایا زوایای سرایر به رؤیت محتاج نگردد که يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى. حکیمی که احکام او جز بر قضیه ابرام ننمود که أم ابرموا أمرا أفانا مبرمون. جمیلی که کبود پوشان صومعه ملکوت در عشق پرتو جمال او سال هاست تا چرخ می‌زنند. جلیلی که گوشه‌نشینان خطایر قدس را جز حوالی سر اوقات جلال او نتوانند بود که وَ تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ - تعالی شأ نه و بهر برها نه- وَ هُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهُ وَ فِي الْأَرْضِ إِلَهُ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ.» (نیشابوری، حسن بن محمد، بی تا، صص ۱ و ۲)

خلاصه، واژگان بیان شده و محتوای کلی ذکر شده در تحمیدیه که در باب آفرینش ستارگان و سیارات هفتگانه است با این مضمون اینکه خداوند ستارگان و سیارات را در آسمان قرارداد، او هفت سیاره را در دوازده بروج گذاشته و... همه و همه نشان از متنی نجومی و هم سویی بانجوم دارد.

۳-۳-۳- پنجاه باب سلطانی

کتاب پنجاه باب سلطانی ر ساله‌ای بسیار مفصل درباره اسطرلاب است که رکن بن شرف‌الدین الحسینی الاملی آن را به رشته تحریر در آورده است.

تحمیدیه:

«...حمد بی حد و ثنای بی عد، حضرت واجب التعظیمی را جلّ جلاله؛ که آسمان دل عارفان را به انوار کواکب مزین کرد. و آفتاب توحید را از قلوب اصحاب حکمت و ارباب معرفت، طالع گردانید. و منجم عقل را که خطوط و اشکال و براهین لوح محفوظ است بصیرت داد تا اسطرلاب را که به اندک جوهری منحصر است، انموذج اجسام عالم علوی و مقیاس و معیار اجرام عظام عالم سفلی

گردانیده، بر اکثر حقایق و معانی عالم راه یافت؛ چنانچه بر صفایح خواطر اصحاب، فرو پوشیده و

مخفی نماند. (حسینی آملی، رکن الدین بن شرف الدین، ۱۳۹۷ش، ص ۱)

در این تحمید، نویسنده به ستایش خداوند پرداخته است و این که او دل عارفان رامزین کرده؛ توحید را از قلوب اهل حکمت و معرفت درخشان نموده؛ به عقل، بصیرت و شناخت داده تا بر اکثر حقایق و معانی عالم، آگاهی یابد. آمدن چنین مفاهیمی و همچنین واژگان و اصطلاحاتی مثل: دل عارفان، توحید، حکمت و معرفت، لوح محفوظ، عالم علوی و سفلی و... ذهن را به سوی متنی عرفانی و هم سوئی با عرفان، سوق می دهد؛ اما نویسنده همراه اکثر تشبیهات و ترکیباتی که بکار برده است؛ از واژگانی استفاده نموده که در علم نجوم کاربرد دارند و یا از اصطلاحات آن علم می باشند مثل: آسمان دل عارفان، انوار کواکب، آفتاب توحید، منجم عقل، خطوط و اشکال و براهین لوح محفوظ، اسطرلاب، نمودج اجسام جسام عالم علوی، معیار اجرام عظام عالم سفلی، که همه نشان از اثری در باب نجوم و هم سوئی با آن دارد.

۳-۳-۴- شرح بیست باب در معرفت تقویم تام

کتاب شرح بیست باب نام در معرفت تقویم تام به قلم مظفر بن محمد قاسم گنابادی بوده که شرحی بر کتاب بیست باب در معرفت تقویم (اثر عبدالعلی بیرجندی) است. نگارنده آن را در سال ۱۰۰۵ق تالیف و به شاه عباس اول صفوی اهدا نمود.

تحمیدیه:

«... حمد و ثنای بی ریب و ریا قدیری را سزاست که کلک صنعت او اوراق افلاک را بر مقتضی اِنَا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزَيْنَةِ الْكَوَاكِبِ به ارقام ثوابت و سیاری سیار مرقوم و مصور ساخت... و به جهت حصول مقاصد امم و مصالح بنی آدم به حکم فرموده وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ گوی زرین آفتاب را در درجات سماء ریت رخصت صعود و هبوط فرمود. و به جهت مواسم عبادات و مراسم طاعات که قوله تعالی وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ مَسْرَعٍ سپهر اولین را در قطع منازل و طی مراحل ازدیاد و انتقاص نور تقدیر نمود اَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْاَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ فلک رقعہ کلک تقدیر اوست / زمین بقعه ملک تسخیر اوست / به هستی او برگشاد است لب / سفیدی روز و سیاهی شب! - / تحیرت I فی وصف الآئه و قصرت فی شکر نعمائه.» (گنابادی، مظفر بن محمد قاسم، ۱۰۰۵ق، ص ۱)

محتوای بیان شده در تحمیدیه، مثل حمد و ستایش خداوندی که آسمان را با ستارگان و سیارات و زمین را با رودها و درختان، زینت داده است. خورشید را برای رسیدن مردم به مقاصد و مصالح خود در آسمان درخشان کرده و ماه را برای تشخیص زمان عبادات و طاعات به وجود آورد و نور آن را کم و زیاد می کند و همچنین ذکر واژگان، اصطلاحات و ترکیباتی چون: اوراق افلاک، ارقام سوابق و سیاری سیار، صفحه عالم خاک، آفتاب، درجات سماء، صعود و هبوط، مسرع سپهر اولین، قطع منازل، ازدیاد و انتقاص نور، همه و همه نشان از هم سوئی با متنی نجومی است.

۳-۳-۴- کتب طبی:

۳-۴-۱- منافع حیوان (از قرن هفتم)

منافع حیوان (از قرن هفتم)، اثر عبدالهادی بن محمد بن محمود بن ابراهیم مراغی، از نوشته‌های قرن هفتم در موضوع طب قدیم و به زبان فارسی می‌باشد.

تحمیدیه:

«...ایزد تعالی از حکم حکمت جهان آفرید چنانک سزید، و از ناچیز آورد چیز نو پدید، و مردم را از تمامت جانوران برگزید، و قامت راست و چشم بینا و زبان گویا ارزانی؛ و چهره به خوبی بنگاشت و بایستنیها داد، و راه بهشت و دوزخ فرمود؛ و پیغامبران فرستاد نماینده راستی و داد تا حجت انگيختند و رسالت بدادند.» (مراغی، عبدالهادی بن محمد، ۱۳۸۸ش، ص ۴۱)

با توجه به ذکر لغاتی چون مردم، جانوران، قامت، چشم، زبان، چهره و... می‌توان نتیجه گرفت که شروع کتابی طبی و پزشکی در مورد انسان‌ها یا جانوران است هر چند با ذکر برخی واژگان، مثل: حکمت، از ناچیز آورد چیز نو پدید، بهشت و جهنم، پیغامبران و... می‌توان گفت با کتب عرفانی هم، هم‌سویی پیدامی‌کند.

۲-۴-۳- عرایس الجواهر و نفایس الأطایب

عرایس الجواهر و نفایس الاطایب، اثر ابوالقاسم عبدالله کاشانی به فارسی و متعلق به قرن هشتم هجری است. نویسنده به موضوع خواص جواهر و اطایب که از قدیمی‌ترین ایام، گرانها و گرانقدر بوده پرداخته است. این اثر به اهتمام ایرج افشار جزوات نشرات انجمن آثار ملی به طبع رسیده است.

تحمیدیه:

«...حمد بی‌ابتدا و مدح بی‌انتهای خالق را که صانع صنایع غرائب موجودات و مکونات است، و سپاس و ستایش آفریدگاری را که مبدع بدایع و مظهر عجائب مخلوقات و مصنوعات است، پروردگاری که به ابتداء تکوین مکونات ایجاد عقل و نفس فرمود و طبیعت کلی را که نگارگر وجود است بواسطه صورت هیولی اولی کی ماده و مایه اشیاست و نگارپذیر وجود که جسم اعظم است در سه جهت طول و عرض و عمق تعبیه نمود...» (کاشانی، عبدالله بن علی، ۱۳۸۶ش، ص ۱)

مفاهیم ذکر شده ای چون: خالقیت و صانع بودن خداوند، مبدعیت و مظهرالعجایب بودن، آفرینشگری عقل و نفس، به متون عرفانی اشاره دارد اما در ادامه وجود واژگانی مثل: صورت، ماده، جسم، به طب هم مربوط می‌شود.

«...صانعی را که عالم علوی و جهان سفلی را به طریق «کن فیکون» «كَلَّمَحِ الْبَصَرَ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ» کسوت خلعت وجود پوشانید تا سلسله موجودات و مرسله مبدعات هفت آبای علوی و چهار امهات سفلی انتظام و قوام یافت...» (کاشانی، عبدالله بن علی، ۱۳۸۶ش، ص ۱)

بیان خلاصه وار از خلقت و آفرینش طبیعت کلی، عالم علوی و سفلی، موالید ثلاثه و... که خود تاریخ گونه است؛ پای تاریخ را به میان می‌کشاند.

«...و این پرده‌های منور نیلگون و سقف مدور بوقلمون پیرامون مرکز اغبر و نقطه مکدر مکرر گردانید، و قبه یا قوتی را به لئالی کواکب و دراری ثواقب مانند بدایع اطراف در بطون اصدا ف ایجاد کرد تا افلاک و انجم ظهور وجود یافتند، و از تأثیر حرکات شوقی سلسله اسطقسات اربعه با تضاد آمزجه و

اختلاف کمیّات و الوان کیفیّات به سبب جزو اشتراک در یکدیگر پیوست، و هریک از عناصر اربعه در حیّز طبیعی خود قرار و آرام یافت، قادری که سطح جرم زمین را به مسامیر اوتاد اطواد راسیات جبال و تلال متانت و استحکام بخشید و به توسط انحذاب از زمین یک ربع مکشوف و مسکون گردانید، حکیمی کی به وسائل سیر انجم و افلاک و حرکات جزرومد بحار، کوهها و معادن پدید کرد، و از تواتر آیام و لیالی فصول اربعه موجود گشتند، و از تواتر حرکات فصول آثار علوی متکون شدند، مانند شهب و صاعقه و رعود و بروق و سحاب و برف و باران...» (کاشانی، عبد الله بن علی، ۱۳۸۶ ش، صص ۱ و ۲)

صحبت از جزر و مد، کوه ها، معادن، آیام و لیالی، فصول اربعه، شب، صاعقه و رعد و برق، سحاب، باران، جبال و تلال، ذهن رابه عالم جغرافیا و اثری جغرافیایی می برد.

واژگان، ترکیبات و اصطلاحات پرده های منور نیلگون، سقفوف مدور بوقلمون، قبه یا قوتی، افلاک، انجم، زمین، به نجوم اشاره دارد.

«... و از امتزاج عناصر و ازدواج آخشیجان متضادّ عیون متوافر و معادن متکاتر - سه نوع موالید که عبارت از آن معادن و نبات و حیوان است - پدید آمد. اعنی ترکیب نخستین معادن بود، به صفات الوان و خواصّ گوناگون متّصف گشته تا به نهایت مرجان رسید که آخرین عالم جماد و اوّلین نبات بود. پس تراکیب نامیه به قوای نباتیه که هفت اند شرف تخصیص یافت به شرف تولید و تغذیه، و انتهای عالم نبات خرما و نارگیل است و ابتداء حیوان. و چون آثار کواکب در اقطار عناصر تأثیر کرد خاصّه آفتاب و ماه که کون و فساد اشیاء به وجود سیر ایشان منوط و مربوط است از میان خاک و آب به معونت باد و آتش جمادات و جواهر گوناگون پدید آمدند، مانند یاقوت و لعل آبدار و اقطاع جواهر زواهر متنقّش به نقش خاتم «وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ»، و مثل فلزات سبعة از سبیکه زر ساو و قرص سیم مذاب در بوته شمس زرگر و دار الضرب ایجاد سکّه

ففی کلّ شیء له آیه
تدلّ علی أنّه واحد

و باقی مستودعات اعماق و اجناس جواهر که در حجر تربیت کوهها قبول نشو و نما یافته اند و در اجزای خاک به حجاب احجار محجوب گشته» (کاشانی، عبد الله بن علی، ۱۳۸۶ ش، صص ۲ و ۳)

بیان تاریخیچه واری از آفرینش جمادات، نباتات، حیوان، کار تاریخ و متون تاریخی است. جنبه موعظه و پند و اندرزی آن، بیان سخنان حکیمانه، ورود به عالم حکمت و عرفان را هم در پی دارد.

آن گونه که پیدا ست متن تحمیدیه بامو موضوعاتی چون: طب، عرفان، تاریخ، جغرافیا، نجوم و حکمت هم سویی دارد. این گوناگونی موضوعات در این تحمیدیه، نشان می دهد نویسنده در انواع علوم، مهارت و اطلاع کافی داشته و از آنها در حمد و ستایش خداوند باری تعالی، بهره وافی و کافی رابرده است.

۳-۴-۳- ارشاد الزراعه

ارشاد الزراعه، تالیف قاسم بن یوسف ابونصری هروی، در موضوع اصول و روش زراعت و کشاورزی و شناخت گیاهان و درختان از جمله نگاشته های کهن فارسی عهد صفوی است. تاریخ تألیف این اثر، چنان که در آغاز آن آمده سال ۹۲۱ ق است.

«...حمد و سپاس رزاقی را که مزارع و صنعت قدرتش از فحوای آیه کریم (أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ) مفهوم می‌گردد، و مشارع منافع رأفت و رحمتش از آوای (وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ) معلوم می‌شود، و ثنای بی‌قیاس فیاضی را که ذوارف عوارف فیض و کرمش از انهار فیاض الانوار (وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا) و جویبار گوهر آثار (وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا) بر کشتزار خار و گل یکسان است...» (ابونصری هروی، قاسم بن یوسف، ۱۳۵۶ش، ص ۱)

آوردن واژگانی مثل: مزارع، انهار، جویبار، کشتزار، خار، گل و استشهادیه آیاتی که مفهوم آنها در باب زراعت و کشاورزی است؛ متنی در موضوع زراعت و جغرافیای دهن متبادری کند.

«...صانعی که عقل عاقلان در آثار انوار بساتین حکمت بی‌نهایت که باغبان ابداع و اختراعش بانواع ریاحین مختلفه و اضعاف تزئین متنوعه ساخته و پرداخته حیران است.

بیت

در صحن چمن ز صنع بزدان عقل عقلاست جمله حیران

قادری که در عرصه چهارباغ جنان و صحن جهان، نخل آرای ریاض ابداع است، حکیمی که در روضه رضوان پیوندگر نهال امکان، و نوباره‌رسان نخل اختراع است...» (ابونصری هروی، قاسم بن یوسف، ۱۳۵۶ش، ص ۱)

باز هم واژگان بساطین، باغبان، ریاحین، چمن، چهارباغ، نخل، روضه، نهال، نوباره، سخن و نشان از زراعت دارند و جغرافیا.

«...جهان‌آرائی که ریاض قدس را با لاله و گل‌های دل‌فریب با صد لطافت و زینت مزین و ملون ساخت، چمن‌آرائی که گلستان انس را به اشجار میوه‌دار و گل‌های زرنگار همیشه بهار بنظافت و طراوت تمام پرداخت.

شعر

صحن گلستان که بود چون لطف الهی بودش باغبان...» (ابونصری
جنان هروی، قاسم بن یوسف، ۱۳۵۶ش، ص ۲)

ریاض، لاله، گل، چمن، گلستان، اشجار، میوه، باغبان، همچنان زراعت، کشاورزی و در نهایت موضوع جغرافیایان می‌کنند.

«...معماری که بنای رفیع قدرتش، سقف مقرنس مینا و گنبد اطلسی معلی را بغرایب آثار قدرت و عجایب اسرار حکمت برافراخت.

شعر

در این بخش از تحمیدیه، آمدن ترکیباتی چون: سقف مقرنس مینا، گنبد اطلسی معلی، چرخ اطلس، غرفه مقرنس، تحمیدیه رابه سمت نجوم کشانده است.

«... پادشاهی که بمقتضای قدرت کامله و حکمت شامله خود حضرت آدم صفی را از بهشت عنبر سرشت بمزرعه گاه عمل و کشت‌گه (الدنیا مزرعه الاخره) فرستاد، بعنایت ازلی و هدایت لم یزلی و بتعلیم حضرت جبرئیل امین (ع) زراعت و حراثت الهام و ارشاد داد.
شعر

آمده ارشاد زراعت ز تو بلکه بهر کار کفایت ز تو

منعمی که عرصه غربا از خط سفلی بجهت انتفاع اصناف امم، سبب معاش و انتعاش بنی آدم ساخت، کریمی که دانه فشانان و نیکوکاران خطه خاک را بزوایداکرام و عواید انعام خود محفوظ و بهره‌مند گردانید کما قال جل و علاء: (كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُؤْبَلَةٍ مَائَةٌ حَبَّةٍ) «ابونصری هروی، قاسم بن یوسف، ۱۳۵۶ ش، صص ۲ و ۳)

در ابتدای این بخش از تحمیدیه، آوردن لفظ پادشاه و سخن گفتن از قدرت کامله و حکمت شامله او تاریخ رابه میدان حمد و ستایش خداوند کشانده است اما با زلفاظ مزرعه، کشت‌گه، زراعت، حراثت، دانه فشانان، سخن از زراعت است و موضوع کشاورزی.

محتوا و مفاهیمی هم که در تحمیدیه ذکر شده است مثل: خداوند جهان آرا، زینت کننده باغ و گلستان است. او آبادکننده زمین، هبوط کننده انسان به دنیا و الهام زراعت و حراثت به اوست. پروردگار منعمی است که زمین را وسیله معاش و انتعاش قرارداد و به زارعان و کشاورزان زمین، اکرام و انعام نموده است؛ همه متنی در باب زراعت و جغرافیا برای انسان به خاطر می آورد. بررسی تحمیدیه نشان از هم سویی با موضوعات جغرافیا، نجوم، تاریخ و در نتیجه اطلاع نویسنده از علوم مختلف دارد.

۴-۴-۳- فرخ نامه

فرخ نامه، اثر مطهر بن محمد بن ابی سعد جمالی معروف به یزدی به پیروی از زهت نامه علانی و به قصد تکمیل آن در سال ۵۸۰ ق تالیف شده است.

تحمیدیه:

«... شکر و سپاس بی‌قیاس آن پروردگاری را که معالم اشیاء و مظهر اسماست، آفریننده‌ای که اندرین سقف مدور صد هزاران اختر منور برخشانید و اندر ساحت این سپنج سرای از خاک تیره هزارگونه گل و لاله برویاند، بینا و دانا و توانا و شنوا، و پادشاهی او را مسلم است. خداوندی که اندر شب

مظلّم در قعر بحر قعیر حس و حرکت جانوری شنود و مسکن و مقر او بیند و آواز ضمیر اوداند و او را روزی رساندن تواند، قوله تعالی: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ»، و زمین و زمان پدید آورده مشیت اوست، و مکین و مکان هست کرده ارادت اوست. بیت

قدرت اوست هر چه بود و بود خالق هر که بود و باشد اوست

مار بی دست و پا جز به قوّت ارادت او راه نیابد، و مورچه در جوف شب تاریک جز به شعله هدایت او نرود.

خالق کل حی و رازقهم صانع کل شیء و حافظهم

مار در خاک و ماهی اندر آب (جمالی
یزدی، مطهر بن محمد، ۱۳۸۶ش، صص ۳ و ۴)

آرمیده ز قدرتش به صواب

با توجه به واژگان و اصطلاحاتی چون: سقف مدور، اختر، سپنج سرای، شب و روز بامتنی نجومی هم سویی پیدامی کند. مواردی چون آواز ضمیر، روزی رسانی، مشیت، ارادت و هدایت خداوند، نشان از متنی عرفانی دارد. اگر موضوع کتاب راکه همان طب است از قبل بدانیم می توان با کمی مسامحه واژگانی چون: بینا، شنوا، حس و حرکت رابه طب و پزشکی هم نسبت داد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که متن تحمیدیه باموضوعاتی مانند نجوم، عرفان و حتی طب هم هم سویی پیدا کرده است.

۳-۵- کتب عرفانی:

۱-۵-۳- مشارق الدراری

مشارق الدراری، نام شرحی است به زبان فارسی برقصیده تائیه ابن فارض (۵۷۶-۶۳۲ق)، به قلم سعید الدین فرغانی (۶۹۱ق).

تحمیدیه:

«...حمد و سپاس بی حد سزای ذات خدایی است که سلطان عزّت و وحدتش به صمصام برآن غیرت، نام و نشان غیریت را قطع و محو کرد که «کان الله و لم یکن معه شیء» و مدح بی قیاس و ستایش بی عد، مقتضای جناب دانایی که قهرمان علم و حکمتش به یک نظر، از خود، در خود، برای نظام جهان محبت و احکام بنیان معرفت، از عین آن محو اثر، حضرتی هم واحد و هم کل، که صدور احکام مبدئی و معادی، منه بدأ و الیه یعود، و ظهور اعلام مریدی و مرادی و شاهد و مشهود از آن حضرت احدیت جمع و وجود شاید بود، تعیین فرمود که: «کنت کنزاً مخفياً...» (سعیدالدین فرغانی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۱۳)

اصطلاحات و رموز خاص بیان شده مثل: عزّت، وحدت، غیرت، غیریت، علم و حکمت، معرفت، مرید و مراد که در عرفان کاربرد و حتی معانی خاص دارند، نشان از متنی عرفانی و حکمی دارد.

واژگانی چون: سلطان، صمصام برآن، قطع و محو کردن، جناب، احکام، حضرت، صدور احکام، اعلام و... تاریخ را هم به ذهن تداعی می کند.

صحبت در باب توحید و یگانگی خداوند، مبدا و معاد هم از مسائلی است که در علم کلام مطرح و مورد بحث قرار می گیرند.

خلاصه، هم سویی با عرفان، حکمت، تاریخ و کلام در آن به چشم می خورد.

۲-۵-۳- مجموعه رسائل فیض (رساله اصول عقاید دینی)

مجموعه رسائل فیض، مجموعه‌ای چهارجلدی است که هر جلد، تعدادی از مقاله‌های فقهی، اصولی، کلامی و اخلاقی ملامحسن فیض کاشانی را دربردارد.

اصول عقاید دینی (ترجمه العقائد): رساله‌ای در بیان اصول اعتقادات به زبان فارسی است.

تحمیدیه:

«... حمد بی حد و ثنای بی عد خداوند جهان آرای دلگشای راکه صوامع قدس آسمان را ساخت به ملائکه مقربین، و مساجد انس زمین را منور گردانید به انبیاء مرسلین، و آینه دل مؤمنان را روشنایی بخشید به انوار معرفت و توحید، و درجات ایشان را بلند گردانید به عبادت و اطاعت و تسبیح و تحمید.» (ملاحسن فیض کاشانی، ۱۳۸۷ ش، ص ۲۵)

با توجه به محتوای بیان شده و واژگان و اصطلاحاتی که در علم عرفان بیان می شوند مثل: صوامع قدس، ملائکه مقربین، آینه دل مومنان، معرفت، توحید، عبادت، اطاعت، تسبیح و تحمید، متنی عرفانی به خاطر می آید و بیانگر آمدن متنی عرفانی در ادامه سخن است. همچنین مواردی مثل توحید و نبوت، که در تحمید از آنها صحبت شده است؛ از مسائل مطرح شده در علم کلام می باشند. پس هم سویی با دو موضوع عرفان و کلام را می توان از آن استخراج کرد.

۳-۵-۳- نسایم گلشن

نسایم گلشن، به زبان فارسی، اثر شاه محمود داعی شیرازی، از جمله شروع قدیمی بر «گلشن راز» است که در عین ایجاز، حاوی نکات ارزشمند عرفانی است.

تحمیدیه:

«... مبانی سپاس تنزیه اساس، و قواعد ستایش تقدیس آرایش، منتظم به نظام اطلاق توحید، و متسق به نسق تقیید تمجید، بر حریم جلال و کبریای حضرت احدی، و حطیم عز و اعتلای جناب صمدی در حیز رفیع و معرض عرض آورده، مشام نیاز و حاجات در راه نسایم چمن الطاف رحمانی و شمایم شکوفه‌ی اعطاف یزدانی به سر حد است شمام رسانیده و مسام راز و مناجات در مقابل روایح قدس الهی، و فوائح انس نامتناهی، دهن واز گردانیده، هزار دستان ناطقه را در سرابستان «انی شاکرا لانعامه» مجال صغیر خواسته، الا به قارع «لا احصی ثناء علیک انت کما اثبت علی نفسک» از شاخسار استقصا به یک سو می نشیند و فاخته سر مه کشیده‌ی باصره‌ی بصیرت را در هوای هویت «هو الاول و الآخر و

الظاهر و الباطن» پرواز داده، اما به مانع «ان الله احتجب عن البصائر كما احتجب عن الابصار» چنانچه می‌باید نمی‌بیند:

تعالی الحق عن فهم الرجال و عن صفة التفرق و الوصال
 یجلّ عن الاحاطة و المثل «شاه داعی شیرازی،
 ... جلّ شیء عن خیال ۱۳۷۷ش، ص ۱۰۹)

مفاهیم ذکر شده درباب برآوردن نیازها، شکرگزاری بر نعمت‌ها، خواستاری خداوند توسط بصیرت انسان، همه نشان ازمتنی عرفانی و به زبانی ادبی دارد. عبارات، واژگان و اصطلاحاتی چون: توحید، تمجید، قدیم، حریم جلال و کبریایی حضرت احدیت، صمد، الطاف رحمانی و اعطاف یزدانی از واژگان و اصطلاحات پرکاربرد در عرفان می‌باشند. همچنین نسایم چمن، شمایم شکوفه، رواج، هزارستان، سراستان، شاخسار، فاخته، واژگانی هستند که طبیعت و به طبع آن جغرافیایاره ذهن می‌آورند. باین سخنان می‌توان هم سویی با عرفان و جغرافیایار از متن این تحمیدیه به دست آورد.

۴-۵-۳- قصه یوسف (ع)

قصه یوسف (ع)، شرح و تفسیری عارفانه از سوره یوسف، به زبان فارسی، توسط احمد بن محمد بن زید طوسی، از دانشمندان قرن هفتم هجری.

تحمیدیه:

«... سپاس خداوندی را کی قادر بر کمالست و آفریدگار روز و شب و ماه [و] سالست، در ذات هستی بی‌همالست و در صفات و صنع بی‌مثال است.» (تاج الدین احمد بن محمد بن زید الطوسی، ۱۳۸۲ش، ص ۱)

تحمیدی کوتاه با محتوای قادر بودن خداوند و آفریدگاری او، بی‌مثل و مانند بودن در ذات، صفات و صنع است که نشان ازمتنی عرفانی دارد و همچنین آمدن صفاتی از خداوند مثل: قادر، آفریدگار، بی‌همال بودن در ذات و بی‌مثالی در صنع، بیان مواردی است که در علم کلام مطرح و مورد بحث قرار می‌گیرد. در نتیجه عرفان و کلام، موضوعاتی هستند که هم سویی متن تحمیدیه با آنها نشان داده شده است.

۶-۳- کتب فقهی:

۱-۶-۳- لوامع صاحبقرانی المشتهر بشرح الفقیه

لوامع صاحبقرانی، م. شهوریه شرح فقیه تألیف محمد تقی بن مقصد علی صفهانی م. شهوریه مجلسی اول پدر علامه مجلسی و از علمای بزرگ شیعه در قرن یازدهم هجری و متوفای سال ۱۰۷۰ق می‌باشد.

تحمیدیه:

«... حمدی که به اقلام اشجار و مداد بحار بر صفحات لیل و نهار شرح شطری از آن نتوان نگاشتن سزاوار فایض الانواری است که مقربان بارگاه جلالش به قدم عجز «لا أخصی ثناء علیک أنت کما أثنت

علی نفسک». طی وادی نامتناهی ثنایش نموده‌اند، و شکری که طومار امکان گنجایش برخی از آن نداشته باشد، مالک الرقابی را رواست که خسروان با ابهت و جلال، و سلاطین با شوکت و اقبال، جبین عبودیت و انکسار بر آستان کمالش سوده، زبان نیاز به اعتراف «أَلَلُّهُمْ مَلِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ» گشوده‌اند کریمی از محض فضل بی‌نهایت ازلی و عنایت بی‌غایت لم یزلی ماهیات ممکنات را از بطن عدم و مشیمه قابلیت را به عرصه وجود و ساحت ظهور رسانیده، و بنی نوع انسان را به تشریف «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» مشرف ساخته منشور عزت‌شان را به طغرای «عَلَّمَ الْأَنْسَانَ مِمَّا لَمْ يَعْلَمُ» موشح گردانید، ذو الجلالی که مقیمان حریم احدیت، و ساکنان سرادق صمدیت را زبان عجز و قصور جز به نوای سُبْحَانَكَ مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ نگشوده، و صدر نشینان ایوان جبروت و بار یافته‌گان رواق ملکوت را تسبیح و تحمید جز سُبْحَانَكَ مَا عَدَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ نبوده...» (مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، ۱۴۱۴ ه. ق.، صص ۵ و ۶)

مفاهیم عرفانی و مسائل بیان شده و همچنین واژگان و اصطلاحاتی چون: وادی، شکر، عبودیت، کریم، فضل و... نشان از اثری عرفانی دارد تا فقهی.

«...حلیمی که حیرت زدگان وادی تکلیف را گاهی به نوای غم‌زدای «نَبِيٌّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» امیدوار ساخته...» (مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، ۱۴۱۴ ه. ق.، ص ۶)

تحمیدیه به گونه‌ای بیان نشده است که نشان از مسائل فقهی و شرعی داشته و یادراین زمینه بحث و صحبت شده باشد تا ذهن به سمت کتاب و اثری فقهی هدایت شده و بدانکه نویسنده به بیان مسائل فقهی و شرعی خواهد پرداخت. تنهادر جمله «حلیمی که حیرت زدگان وادی تکلیف رابه نوای غم‌زدای نَبِيٌّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ امیدوار ساخته...» آوردن واژه «تکلیف» اشاره ای مختصر به فقه و تکلیف شرعی دارد.

«...و گاهی به تازیانه «وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ أَلِيمٌ» شعاع خورشید عزتش بر بصائر ارباب عرفان غبار حیرت بیخته و شهباز عقل در پرواز اولین پایه قصر تو صیف صدر نشینان رواق قریش پر و بال ریخته، داغ بندگیش زیب چهره عزت و رفعت است، و محبت مقربان درگاهش مورث فیروزی دنیا و آخرت.

تنگ میدان ز کنه و صفش فهم

پاک‌تر ز آن چه عاقلان

گفتند» (مجلسی، محمدتقی بن

مقصود علی، ۱۴۱۴ ه. ق.، ص ۶)

سه ست جولان ز

عزّ ذاتش وهم

پاک ز آنها

که غافلان

گفتند

آمدن ترکیببات و واژگانی چون: مقربان بارگاه، طومار، خسروان، سلاطین، شوکت، آستان، ساحت، من شور، موشح، سرادق، صدر نشینان ایوان، باریافته‌گان رواق، قصر، داغ بندگی، مقربان درگاه، در تمام تحمیدیه، نشان از تاریخ دارند.

آن گونه که از توضیحات پیداست هم سویی باموضوعات عرفان، تاریخ و فقه رامی توان از آن به دست آورد.

یک دوره فقه کامل فارسی، اثر علامه محمدتقی بن مقصود علی، معروف به مجلسی اول (متوفی ۱۰۷۰ق)، از جمله آثار فقهی به زبان فارسی است. عنوان اصلی کتاب «أحكام الشريعة» بوده است.

تحمیدیه:

«...حمد نامحدود معبودی را که کائنات را بخورشید آسمان رسالت و نور بدر ولایت درجه ظهور داد و مرآت ضمائر زاکیه قبالان انسان را بارسال انبیاء و نصب ائمه هدی از زنگ ضلالت و غبار جهالت به پرداخت» (مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، ۱۳۴۶ش، ص ۳)

محتوای تحمیدیه که درباب ستایش خداوند به واسطه ارسال پیامبران وائمه است و همچنین آمدن واژگانی چون: معبود، کائنات، ولایت، ضمائر زاکیه، ضلالت، جهالت و... نشان از متنی عرفانی دارد تا فقهی. بحث درباب ولایت و نبوت در علم کلام هم مطرح می شود و با ذکر دلایل و استدلال به اثبات آن هابرمی خیزد. مورد بامواردی که دال بر فقهی بودن اثر باشد از متن تحمیدیه این اثر، قابل استخراج نیست. در ضمن، سخن درباب ائمه هدی، نشان از شیعه بودن و دلبستگی نویسنده به اهل بیت دارد.

به طور خلاصه، هم سویی باموضوعات عرفان و کلام رامی توان در این تحمیدیه مشاهده کرد.

۳-۶-۳- آنیس التجار

آنیس التجار، تألیف ملامحمد مهدی نراقی (متوفی ۱۲۰۹ق)، اثری فقهی به زبان فارسی است. این کتاب به جهت نیاز عموم مردم به ویژه اهل تجارت تصنیف شده است. سید مهدی طباطبایی بر این کتاب، مقدمه نوشته و آن را تصحیح کرده است.

تحمیدیه:

«...حمد و سپاس بی حد کریمی را سزااست که از غایت رحمت بی منتها، گم گشتگان وادی جهالت را به وسیله انوار شرایع محمدیه صلی الله علیه و آله به شاهراه هدایت رسانید، و ثنا و ستایش بی عد رحیمی را رواست که از نهایت رأفت بی انتها، غریقان بحار بطالت را به واسطه سفینه النجاة نوامیس احمدیه، به ساحل امنیت کشانید» (نراقی، مهدی بن ابی ذر، ۱۳۸۳ش، ص ۱۵)

آمدن واژگان و اصطلاحاتی چون: کریم، رحمت، جهالت، هدایت که در عرفان پرکاربرد می باشند؛ ذهن را به سمت و سوی متنی عرفانی سوق می دهد. آوردن ترکیبات «انوار شرایع محمدیه و بهار بطالت» اشاره ای به مسائل فقهی و شرعی هم دارد. آوردن ترکیب «نوامیس احمدیه» که منظور از آن ائمه اطهار هستند شیعه بودن نویسنده را نشان می دهد. در نتیجه هم سویی با فقه در تحمیدیه این اثر فقهی قابل مشاهده است و در ضمن هم سویی با عرفان را هم می توان از آن استخراج کرد.

۴-۶-۳- دلائل السداد در قواعد فقه و اجتهاد

دلائل السداد در قواعد فقه و اجتهاد، تألیف محمد بن حسن طهرانی سنگلجی (متوفی ۱۴۰۰ق)، به بررسی مهم ترین قواعد فقهی در فقه امامیه اختصاص دارد.

تحمیدیه:

«...حمدخدا را سزد که غایت معارج مدارک و نهایت تمادی مسالک بدایت معرفت اوست و جامع مقاصد و منتهای امل آمل هدایت بسوی او و استبصار باحکام اوست شرایع دینی که عامه انام را کافی و قاطبه مردمان را وسائل نجاتست در کمال تسهیل و اقصای تکمیل تقنین فرموده موجب تهذیب سرائر و ازدیاد بصائر قرار داده تا تبصره جاهلین و تذکره عالمین و مانع دروس دین گردد» (سنگلجی، محمد، ۱۳۵۳ ش، ص ۲)

در این تحمیدیه، در باب احکام شریعت، صحبت به میان آمده است و نویسنده بیان می کند که او خدایی است که احکام دینی را آسان قرار داده و آنها را موجب پاکی درون و زیادی بصیرت گذاشته و عمل به احکام او مایه نجات است. ذکر این موارد هم سویی با فقه رانسان داده و ثابت می کند که متنی فقهی در ادامه خواهد آمد.

۳-۷-کتب کلامی:

۱-۷-۳- بیان الأدیان در شرح مذاهب جاهلی و اسلامی

بیان الأدیان، از کتابهای قدیمی درباره ادیان و مذاهب است. به سبب شهرت این کتاب، مؤلف آن را با عنوان صاحب بیان الادیان یاد کرده اند.

تحمیدیه:

«... سپاس داریم که شکر گزاریم خدای را جلّ جلاله و عمّ نواله بر آنچه ما را به ذات خویش شناسا گردانید و راه معرفت و شناخت خویش بر دلهای ما پیدا کرد تا بدانستیم او را موصوف به صفات کمال، که بزرگی او بی انتهاست و اولی و آخری او بی ابتدا و انتهاست. چونی و چگونگی و کجایی بر او نارواست. خالق آب و آتش و خاک و هواست و آفریدگار خلا و ملاست. ساکن و جنبان نیست و برگزیننده و فرستنده پیغامبرانست» (ابوالمعالی محمدحسینی علوی، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۵)

در این تحمیدیه در باب برخی از صفات خداوند مثل: کمال و بزرگی، اولی و آخری بودن او، بی ابتدا و بی انتها بودن خداوند و همچنین ناروایی چونی، چگونگی و کجایی بر او تاکید شده است. اینها از جمله مواردی هستند که در علم کلام مطرح و در مورد آنها بحث می شود و با استدلالات عقلی و نقلی به اثبات و یار د آنها می پردازند. چنان که از توضیحات هم پیداست هم سویی با علم کلام در تحمیدیه این اثر، قابل مشاهده است.

۲-۷-۳- رساله ای در امامت

رساله ای در امامت، تالیف ابوالفضل محمد بن ابی المکارم، به فارسی است. این نام را محقق این رساله، به تناسب موضوعی که در آن بدان پرداخته شده بر آن نهاده است و آلد منابع مورد مراجعه هیچ گونه اشاره ای به نام این رساله نشده است.

تحمیدیه:

«... سپاس و ستایش آن خدای را که از مکحله عنایت بمیل حمایت سرمه هدایت در دیده دوستان کشید، تا رمد جهالت و سیل ضلالت از طبقه حذقه ایشان دامن در کشید، حدیقه حقیقت ایشان که آن را اول می خوانند به اصناف الطاف خود مترتب گردانید که «حَبَبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ» و دست از دامن سینه بی کینه ایشان کوتاه ساخت که «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ» و جان ایشان را

از زلال وصال سیراب گردانید که «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ»، خلعت رحمت از خزینه مغفرت در بالای والای ایشان پوشانید که «أَوْلَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ» و محبت اهل بیت سید کاینات و خلاصه موجودات، عقد مصنوعات ایشان گردانید که «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» و بمکافات این محبت ایشان را وعده فرموده «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ». (ابوالفضل محمدبن ابی المکارم، ۱۳۷۴ ش، ص ۵۰۸)

محتوای این تحمیدیه در باب عنایات و نعمت های معنوی ای است که خداوند به مومنان و دوستان خود بخشیده است. نویسنده ستایش خداوند و حمد او را با محبت اهل بیت پیامبر (ص) همراه کرده و آن را از عنایات و نعمت های معنوی خداوند به بندگانش می داند. سخن در باب امامت است؛ این مسئله از جمله موارد اعتقادی است که در علم کلام به آن پرداخته می شود پس هم سویی با موضوع اثر، همان علم کلام، کاملاً به چشم می خورد.

۳-۷-۳-رسائل فارسی

این کتاب، مشتمل است برشش رساله، از رسائل فارسی میرزا حسن لاهیجی که در موضوع کلام، حکمت و فقه نگاشته شده است.

۱-۳-۷-۳-آئینه حکمت

تحمیدیه:

«...حمد و سپاس بی حد و قیاس، جناب کبریایی حکیم بی همتایی را سزا است که به حکمت کامله و رحمت شامله با اقلام جود و احسان و مداد رشحات امتنان، صفحات کتاب عالم امکان را به ارقام سطور اجناس صنایع لطیفه و کلمات انواع خلائق شریفه و حروف صنوف اشخاص منیفه، موشح و مزین نمود؛ و هر عالی و سافل و کلی و جزئی را به حرکات و سکانات طرایف عوارض خاص و [طوایف] لوازم و خواص، ممتاز و سرافراز فرمود، تا هر رقمی کتاب دانش و هر صفحه، آینه بینش جمال جلالت پروردگار و کمال عطوفت گستر او باشد.» (حسن بن عبدالرزاق لاهیجی، ۱۳۷۵ ش، ص ۶۷)

در این تحمیدیه، ضمن ستایش خداوند که با حکمت و رحمت خود انواع مخلوقات را آفریده و آنها را بر اساس ویژگی های خود ممتاز و سرافراز کرده است؛ سخن از برخی صفات خداوند مثل: حکمت، رحمت، جود، احسان، جمال، کمال و جلال اوست. بحث در باب صفات الهی و اثبات آنها در وجود خداوند از مواردی است که در علم کلام مطرح می گردد و این علم با ذکر ادله و استدلال در پی اثبات آنها برمی آید. در نتیجه هم سویی متن تحمیدیه با موضوع اثر به وضوح دیده می شود.

۲-۳-۷-۳-ترکیه الصحبه یا تألیف المحبه

تحمیدیه:

«...حمد و ثنای بی مثال و انتها، سزای کبریای کریم بی همتاییست که اقلام السنه اولیا را از ریش و نیش سخنان باطل تراشیده و ارقام ذکر و شکر و احکام حق و حکمت و کلمات ستوده بر صفحات خاطر احباً نوشت و متن صدور اتقیا را به عبادات جمیله و ملکات جلیله شرح فرموده، طینت اوراق این

کتاب مستطاب را به معالی این معانی سرشت و ... جان ایشان را از خار و خس اخلاق ذمیمه دنیّه و خار خار خواهش امور رذیله دنیویّه پرداخت و روضه تربیت نهال علم و معرفت و حدیقه پرورش نخل شوق و تخم محبت خود ساخت.» (حسن بن عبدالرزاق لاهیجی، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۷۵)

نویسنده در این تحمیدیه، ضمن ستایش خداوند تبارک و تعالی به وصف اولیا، احبّات و تقیامی پردازد و بیان می کند که خداوند، زبان اولیا را از سخنان باطل پاک کرده و جان آنها را از اخلاق ذمیمه و خواهش های امور رذیله دنیایی، مبرّامی کند. قلب پرهیزکاران را به عبادات و خصلمت های پاک گشوده و معانی بلند در قرآن قرار داده است. اینها از جمله مواردی هستند که در علم کلام مطرح و مورد بحث قرار می گیرند. آوردن این موارد در متن تحمیدیه، هم سویی آن با موضوع اثر را اثبات می کند.

خلاصه تحلیل و بررسی های تحمیدیه ها به این نتایج منتهی شد:

۴-۱- برخی از تحمیدیه هادرکنارپرداختن به هدف اصلی خود، همان حمدوستایش خداوندجان آفرین به طور مشخص و واضح، سخن از موضوع اثر می گویند. نشانه هایی دارند که جای شک و شبهه باقی نمی گذارد؛ دست خواننده را می گیرند و به وادی اثر و موضوع خود می کشانند.

نام اثر/ آثار	موضوع اصلی اثر	موضوع استخراج شده از تحمیدیه
مجمع الأنساب - تاریخ مازندران	تاریخ	تاریخ
بیان الأدیان - آئینه حکمت - رساله ای در امامت - تزکیه الصحبه یا تألیف المحبه	کلام	کلام
اختیارات مظفری - کشف حقایق زیج ایلخانی - شرحی بر بیست باب نام در معرفت تقویم تام	نجوم	نجوم
دلایل السداد در فقه	فقه	فقه

۴-۲- گاه هم به تحمیدیه هایی بر می خوریم که اعتماد به واژگان و اصطلاحاتشان، اشتباه محض و گمراهی در موضوع اثر است. بایقین و اطمینان شاید در برخورد با واژگان و اصطلاحات تحمیدیه، موضوع را بیان کنیم و نتیجه بگیریم اثر در چه زمینه ای نگارش یافته است اما مراجعه به اثر و محتوای آن مشخص می کند این تحمیدیه با موضوع اثر خود، اصلاً سازگاری و هم سویی ندارد و با موضوع یا موضوعات دیگر هم سویی پیدا کرده است.

نام اثر	موضوع اصلی اثر	موضوعات استخراج شده از تحمیدیه
تاریخ جهان آرای عباسی	تاریخ	نجوم، جغرافیا و عرفان
جغرافیای حافظ ابرو	جغرافیا	نجوم و تاریخ
البلدان یعقوبی	جغرافیا	نجوم و عرفان
آثار عجم	جغرافیا	نجوم، عرفان و تاریخ
یک دوره فقه کامل فارسی	فقه	عرفان و کلام
بستان الصیاحه	جغرافیا	تاریخ و عرفان
ارشاد الزراعه	طب	جغرافیا، نجوم و تاریخ

۴-۳- او ضاع زمانی بدتر می شود که بررسی و اندیشه در برخی از تحمیدیه ها راه دشواری را ایجاد می کند. دویا چندراهی به وجود می آید که تصمیم قاطع و بیان یقینانه موضوع را در هاله ای از ابهام فرو می برد. بر اساس هدف اصلی

تحمیدیه، گاه اصطلاحات، واژگان و ترکیباتی می‌آید که نشان از عرفان، حکمت یا کلام و... دارد در صورتی که موضوع کتاب، چیز دیگری است مثلاً تاریخ، جغرافیا، نجوم و... یا مفاهیم، اصطلاحات و واژگان، نشان از دو یا چند موضوع دارد؛ یعنی گاه هر پاراگراف و هر بخش آن (به ویژه در تحمیدیه های طولانی)، سازی برای موضوعی دیگری می‌نوازد و به ذهن می‌آورد که شاید نویسنده به عمد چنین کاری را کرده و یا از سرِ با علم و دانش و ادیب بودنش دست به چنین کاری زده است یا اثر او در بخش هایی متفاوت و در موضوعاتی گوناگون تنظیم شده و دائرة المعارف گونه شده باشد یا برای رقابت و برتر دانستن خود و اثبات برتری و نویسنده بر تر بودن، دست به چنین کاری زده است؛ همه و همه حیرت در پی دارد.

نام اثر	موضوع اصلی اثر	موضوعات استخراج شده از تحمیدیه
راحة الصدور و آية الصدور	تاریخ	تاریخ، نجوم و عرفان
فرخ نامه	طب	طب، نجوم و عرفان
منافع حیوان	طب	طب و عرفان
اصول عقاید دینی	عرفان	عرفان و کلام
قصه یوسف	عرفان	عرفان و کلام
لوامع صاحبقرانی	فقه	فقه، عرفان و تاریخ
انیس التجار	فقه	فقه و عرفان
پنجاه باب سلطانی	نجوم	نجوم و عرفان
عرائس الجواهر و نفائس الأطائب	طب	طب، تاریخ، جغرافیا، نجوم، حکمت و عرفان
مشارق الدراری	عرفان	عرفان، حکمت، تاریخ و کلام
نسایم گلشن	عرفان	عرفان و جغرافیا

- ابوالفضل محمدبن ابی المکارم، رسالہ ای در ما مت، کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، قم، چاپ: اول، ۱۳۷۴ ش
- ابوالمعالی محمدحسینی علوی، بیان الأدیان در شرح ادیان و مذاهب جاهلی و اسلامی، روزنه، تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ش
- ابونصری هروی، قاسم بن یوسف، إرشاد الزراعة، امیرکبیر، تهران، چاپ: دوم، ۱۳۵۶ ش
- تاج الدین احمدبن محمدبن زیدالطوسی، قصه یوسف، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، تهران، چاپ: چهارم، ۱۳۸۲ ش
- جمالی یزدی، مطهر بن محمد، فرخ نامه، امیرکبیر، تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۶ ش
- حافظ ابرو، عبد الله بن لطف الله، جغرافیای حافظ ابرو، میراث مکتوب، تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۵ ش
- حافظ شیرازی، دیوان غزلیات خواجه حافظ شیرازی، صفی علیشاه، تهران، چاپ: ۵۷، ۱۳۹۷
- حسن بن عبدالرزاق لاهیجی، رسائل فارسی، میراث مکتوب، تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۵ ش
- حسینی آملی، رکن الدین بن شرف الدین، پنجاه باب سلطانی، بنیادشکوهی، تهران، چاپ: اول، ۱۳۹۷ ش
- راوندی، محمد بن علی، راحة الصدور آیه السرور در تاریخ آل سلجوق، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴ ش
- ستوده، غلامرضا و نجف زاده بارفروش، محمد، تحمیدیه در ادب فارسی، جهاد دانشگاهی، تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۹
- سجادی، سیدضیاء الدین، دیباچه نگاری درده قرن، زوار، تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۲
- سعیدالدین فرغانی، مشارق الدراری شرح تائیه ابن فارض، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ: دوم، ۱۳۷۹ ش
- سنگلجی، محمد، دلائل السداد در قواعد فقه و اجتهاد، مطبعه مجلس، تهران، ۱۳۵۳ ش
- شاه داعی شیرازی، نسایم گلشن (شرح گلشن راز)، انتشارات الهام، تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۷ ش
- شبانکاره ای، محمد بن علی، مجمع الأنساب، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۱ ش
- شیخعلی گیلانی، تاریخ مازندران، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۲ ش
- شیروانی، زین العابدین بن اسکندر، بستان السباحه، سنایی، تهران، چاپ: اول، ۱۳۱۵ ش

فرصت شیرازی، محمد نصیر بن جعفر، آثار عجم، امیر کبیر، تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۷ش

قطب الدین شیرازی، محمود بن مسعود، اختیارات مظفری، بنیاد شکوهی، تهران، چاپ: اول، ۱۳۹۷ش

کاشانی، عبد الله بن علی، عرائس الجواهر ونفائس الأطائب، المعی، تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۶ش

گنابادی، مظفر بن محمد قاسم، شرح بیست باب نام در معرفت تقویم تام، نسخه خطی کتاب خانه مجلس، تهران، ۱۰۰۵ق

مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، لوامع صاحبقرانی المشتبه بشرح الفقیه، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۴ ه. ق

-----، مقدمه نویس شهاب الدین مرعشی، یک دوره فقه کامل فارسی، تهران، فراهانی، ۱۳۴۶ش

مراغی، عبد الهادی بن محمد، منافع حیوان، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۸ش

ملا محسن فیض کاشانی، مجموعه رسائل فیض، مدرسه عالی شهید مطهری، تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۷ش

نراقی، مهدی بن ابی ذر، انیس التجار، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳ش

نیشابوری، حسن بن محمد، کشف حقایق زیج ایلخانی، نسخه خطی کتاب خانه مجلس، تهران، بی تا

وحدیدقزوینی، محمد طاهر بن حسین، تاریخ جهان آرای عباسی، پژوهش گاه علوم انسانی و مطالعات

فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳ش

یعقوبی، احمد بن اسحاق، البلدان، الیعقوبی، دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ: اول، ۱۴۲۲ق

۲-۵- مقالات

پورجوادی، نصرالله، دیباچه: مجلس انس نویسنده و خواننده نگاهی به دیباچه های کشف المحجوب هجویری و جامع

الحکمتین ناصر خسرو، آینه میراث، دوره جدید، س دوم، ش چهارم ۱۳۸۳، ۱۴۰-۱۲۳

رشتیانی، گودرز، دیباچه نویسی متون تاریخی افشاریه، تداوم و تحول در یک سنت تاریخی، دوفصلنامه علمی

پژوهشی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهرا (س)، سال بیست و یکم، دوره جدید، ۸ (پیاپی ۹۰)، ۱۳۹۰، صص ۶۱-

۳۷

۳-۵- نرم افزارها

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم افزار تاریخ ایران اسلامی نسخه ۲، ۰۶۴۴۵۶-۰۲۲۰۲-۸، ۱۳۹۷/۴/۱۷، قم

-----، نرم افزار جامع فقه نسخه ۳، ۰۷۳۱۵۰-۰۲۲۰۲-۸، ۱۳۹۸/۱۱/۱، قم

-----، نرم افزار جغرافیای جهان اسلام ۲، ۰۴۷۵۰۵-۰۲۲۰۲-۸، ۱۳۹۴/۲/۷، قم

-----، نرم افزار حکمت اسلامی نسخه ۲، ۰۶۵۶۴۹-۰۲۲۰۲-۸، ۱۳۹۷/۷/۱۶، قم

-----،نرم افزار عرفان ۳، ۰۳۵۵۰۴-۰۲۲۰۲-۸-۱۳۹۲/۷/۲۹، قم

-----،نرم افزار کتاب خانه جامع طب سنتی و اسلامی نسخه ۱/۵، ۰۴۵۸۵۰-۰۲۲۰۲-

۸-۱۳۹۴/۴/۷، قم

-----،نرم افزار کتاب خانه کلام اسلامی ۱/۲، ۰۱۸۱۸۰-۰۲۲۰۲-۸-۱۳۹۳/۷/۲۶، قم

-----،نرم افزار نجوم در اسلام و ایران ۱، ۰۴۷۷۱۰-۰۲۲۰۲-۸-۱۳۹۴/۲/۳۰، قم